



صلح، از واقعیت تا بازی

پیرامون نشست پاکستان و حوادث خونین در افغانستان



● احمدولی مسعود - صفحه فیس بوک

اولین نشست هیأت رسمی طالبان، بواسطه پاکستان با نماینده‌گان حکومت افغانستان در اسلام آباد، آغاز یک فرایند بازی جدیدی است که در امتداد خط استراتژیک پاکستان و پروژه‌های کلان منطقه ای صورت می‌گیرد. تلاقی این دو استراتژی، زمینه‌های ورود و نفوذ پاکستان در ساحت افغانستان را به شدت و از چندین مجرا آماده ساخته است که سه تای آن دارای اهمیت استراتژیک می‌باشند:

- تشدید حملات طالبان و ایجاد موضع قدرت در جهت امتیازگیری بیشتر در ساختارهای دولت افغانستان.
- سازمان‌دهی نیروهای بدیل، تحت عنوان داعش با تجهیز و تمویل بی سابقه بازیگران، در راستای پیاده نمودن استراتژی منطقه‌ای.

- عملیاتی نمودن تفاهمنامه ای اس ای و حکومت افغانستان در یک مشارکت و مدیریت مشترک پروژه های کلان.

- در واقع، افغانستان شاهد راه افتیدن یک بازی پیچیده می‌باشد که تاهنوز بسیاری از بازیگران منجمله توده‌های مجاهدین، نیروهای ملی، سایر حلقات و کشورهای منطقه داخل صحنه نشده اند.

با این صف آرای‌ها، صلح یگانه قربانی می‌باشد که در حد یک آرمان برای مردم ما باقی می‌ماند. حوادث خونین اخیر خوست، کابل، فاریاب و پلخمری پس از نشست اسلام آباد، همه نشانه‌هایی از سیاست دوگانه منطقه‌یی می‌باشند.

سلسله نشست‌های پاکستان قطعاً ادامه خواهد یافت، اما هیچگاهی در مسیر صلح برای افغانستان نخواهد انجامید. اکنون، سوال اساسی اینجاست که حکومت ما در کجای این بازی‌ها قرار دارد، برنامه و اراده سیاسی دولتمردان چیست، آیا این حکومت توانمندی مدیریت این بازی‌های پیچیده و جنگ های استخباراتی را در داخل افغانستان دارد، آیا ادامه این سیاست ها، افغانستان را بار دیگر به میدان رقابت‌های خشن تر، خونین تر و خانه ویرانگرانه تر مبدل نخواهد ساخت؟

با این صورتحال و این پرسش‌ها، صلح از کجای این درامه تراژیک بیرون خواهد شد که حکومت آن را با مظلوم نمایی و پنهان کاری یک غایله تبلیغاتی برای توجیه سیاست های خود و پوشش استراتژی دیگران قرار داده است؟

آیا راه صلح در افغانستان حتماً باید از درون جنگ ها بگذرد، تا برای نیم قرن دیگر مردم تاوان سنگین رسیدن به آن را پردازند؟

با توافق ۱+۵ و ایران بر سر مسأله هسته‌ای

یکی از معضلات کلان دنیا حل شد



صفحه ۶

PHOTO: ME-DE

مشاور ریاست اجرایی:

پس از عید زمان کار کمیسیون اصلاحات انتخاباتی اعلام می‌شود

اعضای جدید و آغاز زمان کار کمیسیون ویژه اصلاحات انتخاباتی تا بعد از عید روشن خواهد شد. او می‌افزاید که تا حال لیست طولانی‌یی از طرف جامعه مدنی، نهادهای نظارت‌کننده انتخابات و رسانه‌ها فرستاده شده که از میان آن‌ها، یک مجموعه مسلکی و آگاه انتخاب خواهد شد تا بتوانند از عهده انجام اصلاحات لازم برآیند.

در عین حال، صدیق‌الله توحیدی معاون کمیسیون اصلاحات انتخاباتی می‌گوید، رهبران دولت وحدت ملی باید به جای سیاسی سازی...

ادامه صفحه ۶



هارون معیبدی

مشاور فرهنگی و رسانه‌یی ریاست اجرایی می‌گوید،

عطا محمد نور:

نشست‌های سران حکومت برای تأمین

امنیت نمایشی است



سرپرست ولایت بلخ بار دیگر ضمن ابراز نگرانی از افزایش ناامنی در کشور گفت که نشست‌ها و اقدامات رهبران حکومت وحدت ملی به ویژه نهادهای امنیتی برای برقرای امنیت مردم این کشور، نمایشی است.

عطا محمد نور سرپرست ولایت بلخ، با صدور بیانیه‌یی ضمن ابراز نگرانی از افزایش ناامنی‌ها در افغانستان گفت: وضعیت امنیتی پس از حوادث ولایت خوست، پلخمری، قندوز، کابل و فاریاب هنوز نابسمان است....

ادامه صفحه ۶

به مناسبت ورود عید سعید فطر



با قبول طاعات و عبادات شما، روزهای عید را به همه مردم مظلوم سرزمینم، به‌خصوص خانواده شهدای افغانستان، اعم از جهاد، مقاومت و مبارزان عدالت‌خواه دیروز و همچنین خانواده مدافعین قهرمان امروز کشورم که هر روز دسته دسته در سنگرهای داغ دفاع از مردم و سرزمین ما قربانی می‌شوند، تبریک گفته و سعادت هر دو جهان را برای بازمانده‌گان‌شان خواهانم. تجلیل از این عید که توأم است با وقایع دلخراش، از فاریاب تا خوست، از کندز تا کابل، از ننگرهار تا بدخشان، از جلریز تا پلخمری و گوشه گوشه این سرزمین که هزاران خانواده را یکی را با آفت طبیعی و دیگری را با اندیشه شیطنانی به سوگ نشانده است، صبر و تحمل بالایی می‌طلبد.

در همچو وضعیت نابهنجار خرد جمعی، عقلانیت، دوراندیشی و همگرایی میان همه دلسوزان جامعه می‌باید تا افغانستان را از این گندیده‌بازار سیاسی به فردهای آرام عبور دهند.

به آرزوی عید خوشی‌های مردم و با محبت فراوان

احمد ولی مسعود

رییس عمومی بنیاد شهید مسعود

حزب اسلامی حمایتش

از داعش را پس گرفت



پس از آن‌که گروه داعش، حمایت گلبدین حکمتیار از این گروه را بی‌اهمیت عنوان کرد، سخنگوی حزب اسلامی حکمتیار با گذشت یک هفته از انتشار بیانیه منصوب به این حزب، آن را جعلی خوانده است.

داعش گفته بود که این گروه به حمایت حزب اسلامی نیاز ندارد. آقای حکمتیار...

ادامه صفحه ۶



اختلاف‌نظر فرماندهان طالبان درباره مذاکرات صلح!



سلفیان و شیعیان و ضرورت بازسازی حافظه جمعی



روان بخشی از جامعه ما بیمار است



کرزی و عشق به قدرت

ادامه صفحه ۶

احمد عمران



کرزی و عشق به قدرت

سخن ماندگار دشمنان مردم به اسلام اعتنا ندارند

انفجاری در یک مسجد در شهر پل خمی در شامگاه بیست و ششم و انفجاری دیگر در ولایت خوست در شامگاه بیست و پنجم ماه مبارک رمضان که بر اثر آن دهها نفر کشته و زخمی شدند، حکایت از آن دارد که دشمنان مردم افغانستان هیچ حرمتی به شئون اسلامی و عقاید و عبادات مردم قایل نیستند.

این دشمنان چه طالب و چه هم داعش که زیر نام اسلام با قرائت‌های بنیادگرایانه و افراطی فعالیت می‌کنند، با کشتار مردم بی‌گناه در مساجد و دیگر اماکن مقدس آن‌هم در لحظه اذان و افطار روزه ماه مبارک رمضان، نشان دادند که با اخلاق اسلامی فرسنگ‌ها فاصله دارند و هیچ مرز و حریمی را برای اعمال خونریزانه خود به رسمیت نمی‌شناسند.

در انفجار شامگاه ۲۱ سرطان در ولایت خوست، فرد انتحارکننده بمب همراه خود را در نزدیک یک ایستگاه بازرسی منفجر کرد که بر اثر آن، ۲۷ غیرنظامی و ۶ مأمور امنیتی جان خود را از دست دادند. قربانیان غیرنظامی این انفجار، ۱۲ کودک، ۳ زن و ۱۲ مرد هستند. در نتیجه انفجار بمب در مسجدی در شهر پلخمی مرکز ولایت بغلان نیز ۲۲ نفر زخمی شدند. این انفجار حوالی شام روز دوشنبه به وقوع پیوسته است. بیشتر زخمی‌های این حادثه غیرنظامیانی بودند که برای شرکت در یک مراسم افطاری دولتی در این مسجد جمع شده بودند. به گفته سخنگوی فرماندهی پولیس بغلان، بمب در یک کارتن جاسازی و در کفشکن این مسجد گذاشته شده بود.

اگرچه تا به حال هیچ گروهی مسوولیت این دو انفجار را به عهده نگرفته است، اما قرائین و شواهد نشان می‌دهند که این دو رویداد که هر دو در لحظه افطاری صورت گرفته‌اند، کار همان گروه‌هایی است که همیشه در جنگ با مردم و نیروهای دولتی قرار دارند.

در گذشته، بارها طالبان اهدافشان را در مساجد مورد حمله قرار داده‌اند ولی مسوولیت آن را به عهده نگرفته‌اند. در همین حال، حمله به یک بازار در مرکز شهر یحیا خیل ولایت پکتیکا نیز در شامگاه روز دوشنبه ماه مبارک رمضان، نشان داد که مخالفان مسلح برای رسیدن به اهدافشان، از هیچ جنایتی دریغ نمی‌کنند.

کشتار مردم غیرنظامی و بی‌گناه آن‌هم در حال عبادت و نیایش، در نزد هیچ دین و آیینی مقبولیت ندارد و علاوه بر آن، انسانیت و اخلاق نیز اجازه نمی‌دهد که مسلمانی دست به کشتار مسلمان روزه‌دار آن‌هم در مسجد خانه خدا بزند. حال سوال اساسی این است که این گروه‌ها به‌راستی پیرو کدام مکتب و اندیشه‌اند و چرا عالمان دینی یا قاطعیت در برابر این گروه‌ها بسیج نمی‌شوند؟

مسلمانان دین مسوولیت دارند تا در برابر چنین رویدادهایی از خود واکنش نشان دهند و به صورت دسته‌جمعی موقفشان را در برابر گروه‌هایی که اماکن مقدس و عبادتگاه‌های مسلمانان را هدف قرار می‌دهند، اعلان کنند. هم‌چنان دولت وظیفه دارد که هرگاه گروه‌های طالبان، داعش، حقانی و حزب اسلامی حکمتیاری از پذیرفتن این‌گونه حملات‌شان سر باز زنند، خود مسوول اصلی حملات را به مردم معرفی کنند تا مردم بیشتر از گذشته با دشمنان خشونت‌طلب خویش آشنا شوند.

مردم قربانی اصلی این‌گونه حملات کور اند. آن‌ها حق دارند قاتلان خویش را بشناسند. دولت می‌باید با روی دست گرفتن سیاست‌های شفاف، پرده از چهره همه خشونت‌طلبان و جانباور بردارد و هر گروهی را که مرتکب چنین اعمالی می‌شود را نام گرفته و زمینه طرد کامل آن‌ها را صحنه سیاست و اجتماع فراهم سازد.

آنچه که روزنامه گاردین در مورد حلقه «براندازان نظام» نوشت و بعداً دکتر عبدالله رییس اجرایی دولت وحدت ملی در سخنان خود در بدخشان به آن اشاره کرد، حرف تازه‌یی نیست که امروز از آن آگاهی حاصل شده باشد.

حامد کرزی رییس جمهوری پیشین، پیش از آن‌که قدرت را از روی ناگزیری به گونه مسالمت‌آمیز انتقال دهد، نقشه کشیده بود که از به وجود آمدن دولت جدید به هر وسیله ممکن جلوگیری کند. آقای کرزی برنامه داشت که انتخابات در کشور برگزار نشود و او به عنوان رییس‌جمهور مادام‌العمر باقی بماند. آن روزها وقتی از چنین نقشه‌یی سخن گفته می‌شد، حلقه به گوشان سلطان برافروخته می‌شدند و می‌گفتند که ایشان نه تنها به فکر انحصار قدرت نیستند که هر لحظه آرزو می‌برند آن را به فرد بعد از خود منتقل کنند. اما هنوز زمان زیادی از کنار رفتن آقای کرزی از قدرت نگذشته بود که زبان آتشین و انتقادی‌اش علیه دولت تازه به کار افتاد.

آقای کرزی به محض این‌که ارگ را ترک گفت، به منتقد نظام تبدیل شد و آغاز به انتقادهای سازمان‌یافته از برنامه‌های دولت کرد. آقای کرزی در روزهای اخیر، عملاً چهره یک کودتاچی را به خود درآورد؛ همان نظامی دارد که در چهارده سال گذشته، خود رهبری آن را در اختیار داشت و بهترین فرصت‌ها را ضایع کرد.

لحظه محل امن بدنام‌ترین افرادی است که در دولت پیشین، متهم به اختلاس و دزدی و قطاع‌الطریقی‌اند. این افراد با حلقه زدن به دور آقای کرزی، به برنامه‌هایی کمک می‌کنند که هدف اصلی آن، ساقط کردن دولت فعلی است.

آقای کرزی در روزهای اخیر، عملاً چهره یک کودتاچی را به خود گرفته و تلاش دارد به گونه منسجم و هماهنگ، نظام را هدف قرار دهد؛ همان نظامی را که در چهارده سال گذشته، خود رهبری آن را در اختیار داشت و بهترین فرصت‌ها را ضایع کرد.

قدرت به باور بسیاری از اندیشمندان سیاسی، بزرگ‌ترین جاذبه‌ها را در خود نهفته دارد. آنان که طعم شیرین قدرت را چشیده‌اند، آن را با هیچ لذتی قابل مقایسه نمی‌دانند. به همین دلیل می‌گویند قدرت لذت لذت‌هاست. اندیشمندی گفته بود مارکس با پیش کشیدن بحث هستی مادی، تلاش کرد

که مهم‌ترین کشش بشر را بیابد، بعد فروید با بحث سایقه‌های جنسی تلاش ورزید به پرسش جاذبه‌های بشر از منظری دیگر پاسخ دهد، اما به گفته این اندیشمند برتراند راسل با کشف قدرت در مناسبات بشری، توانست پرتوی تازه به بحث جاذبه‌های انسانی بیفکند.

قدرت واقعاً از چنین امتیازی برخوردار است که می‌تواند بزرگترین اتفاق‌ها را رقم بزند و عظیم‌ترین حادثه‌ها را زمینه‌سازی کند. مصطفی رحیمی نویسنده فقیه در کتاب ارزشمند «تراژیدی قدرت در شهنامه»، مسأله قدرت را در این اسطوره ماندگار زبان فارسی بررسی می‌کند. آقای رحیمی در کالبدشکافی داستان رستم و سهراب نتیجه می‌گیرد که عشق به قدرت سبب شد که رستم فرزندش را قربانی کند. از نظر او، تعلل رستم در اجابت دستور شاه در

آقای کرزی به محض این‌که ارگ را ترک گفت، به منتقد نظام تبدیل شد و آغاز به انتقادهای سازمان‌یافته از برنامه‌های دولت کرد. آقای کرزی در روزهای اخیر، عملاً چهره یک کودتاچی را به خود درآورد؛ همان نظامی دارد که در چهارده سال گذشته، خود رهبری آن را در اختیار داشت و بهترین فرصت‌ها را ضایع کرد.

آقای کرزی در روزهای اخیر، عملاً چهره یک کودتاچی را به خود درآورد؛ همان نظامی دارد که در چهارده سال گذشته، خود رهبری آن را در اختیار داشت و بهترین فرصت‌ها را ضایع کرد.

این‌که با شتاب به مقابله با سهراب بیاید، تن دادن رستم به باده‌گساری طولانی که پاسخی‌ست به اضطراب بزرگ او بر سر بزرگ‌ترین دوراهی زنده‌گی‌اش و اعتراف رستم در برابر اسفندیار که پسرش را برای حفظ پادشاهی ایران کشته است، همه نشانه‌هایی هستند که رستم از همان آغاز دانسته که سهراب پسر خود اوست، ولی در سراسر ماجرا خود را فریب داده و در پایان هم با اقدام به خودکشی کوشیده است دیگران را نیز فریب دهد.

آقای رحیمی می‌گوید که سراسر شهنامه جنگ قدرت است و فردوسی به‌خوبی از آثار قدرت بر زنده‌گی انسان‌ها باخبر بوده

است. وقتی آقای کرزی هم قدرت را از دست داد، برایش چندان خوشایند نبود. او روزهای بدون قدرت را دقیقاً محاسبه نکرده بود. انسان وقتی در قدرت قرار می‌گیرد، حس دیگری به زنده‌گی پیدا می‌کند و زمانی که آن را از دست می‌دهد، در فراق آن می‌تپد و می‌سوزد.

استالین و هیتلر چرا آن همه انسان را کشتند؟ چون عشق به قدرت در تار و پود وجودشان رسوخ یافته بود! استالین خود را بدون قدرت نمی‌توانست تصور کند. او فکر می‌کرد که قدرت در او عجین است و باید برای همیشه قدرتمند باقی بماند. کرزی نیز به گونه دیگر، همین ادا و اطوارها را انجام می‌دهد. او به این راضی نیست که فقط چند محافظ و یک مقدار حقوق داشته باشد. او می‌خواهد که قدرت را با همه ویژه‌گی‌های آن حس کند و در آغوش بکشد.

شاید گفته شود که دست یافتن به قدرت در کشوری مثل افغانستان، چه جاذبه‌یی می‌تواند داشته باشد. نکته ظریف دقیقاً همین‌جاست؛ زیرا قدرت خود موقعیت خود را می‌سازد و تعریف می‌کند. فرق نمی‌کند در کجا و چه‌گونه باشد، بل مهم خودش و سازوکارهایش است.

قدرت و تسلط حتا بر یک قبرستان نیز برای عاشقان آن لذت‌بخش است. به همین دلیل آقای کرزی از همه زمینه‌ها برای رسیدن دوباره به قدرت استفاده می‌کند. شب‌نشینی‌ها و روزنشینی‌های او برای برگشت به قدرت است و نه چیزی دیگر. او حاضر است به قدرت برسد اگر کل جمعیت افغانستان قربانی شود. او می‌خواهد رییس جمهور یک قبرستان باشد تا این‌که در بهترین موقعیت شهر کابل داشته باشد.

آنچه را که کرزی و اطرافیانش با افغانستان انجام می‌دهند، به‌مراتب خطرناک‌تر از عمل کرد طالبان و داعش است؛ زیرا آن‌ها عملاً در یک جنگ اعلام‌شده با دولت قرار دارند، اما جنگ این‌گونه افراد اعلام نشده است. آن‌ها انتحاری و مرگ‌آفرینی می‌کنند و این‌ها می‌خواهند سکه ارزش‌ها را ناچل کنند و همه را نسبت به یکدیگر بی‌اعتماد سازند.

حرکت‌های آقای کرزی دقیقاً در راستای ایجاد بی‌اعتمادی عمومی قرار دارد. او می‌خواهد هیچ کس به دیگری اعتماد نکند تا او از این جو به سود خود استفاده ببرد.

جامعه‌شناسان در واکنش به تجاوز و قتل یک کودک سه ساله در کابل:

روان بخشی از جامعه ما بیمار است



ناحیه نوری

جنگ، انتحار، انفجار و پخش تصاویر سربریدن انسان‌ها توسط تروریستان از طریق رسانه‌های همگانی، روان اکثریت مردم را چنان بیمار کرده که همه مردم در برابر وحشی‌گری‌هایی که در جامعه اتفاق می‌افتد، بی‌تفاوت برخورد می‌کنند. برخی از استادان و جامعه‌شناسان با ابراز این مطلب و در واکنش به تجاوز و کشتن یک کودک سه ساله در کابل می‌گویند: بی‌تفاوتی مردم در برابر چنین جنایتی، بدون شک پیامد سه دهه جنگ و نشانگر بیماری روان معنوی جامعه افغانستان است. آنان همچنان گفتند: جهالت، اعتیاد، فرهنگ خشونت و پریشانی‌های روانی از عوامل اصلی چنین جنایاتی است که در این میان اعتیاد نقش بسیار بارزی دارد. این واکنش‌ها در پی تجاوز بر یک کودک سه ساله و کشتن او در کابل صورت می‌گیرد. حادثه‌یی که خشم مردم را برانگیخته است.

گفته می‌شود که پدر این کودک سه ساله که به خاطر نجات جگر گوشه‌اش از قید آدم‌ربایان، در هر مقام از حوزه امنیتی گرفته تا مجلس را کوبید؛ اما با وجود تلاش‌های زیاد، چانس با وی یاری نکرد و جسد توتو و پارچه شده فرزندش را از یک چهار دیواری پیدا کرد. گفته می‌شود که این کودک پس از تجاوز به شکل فجیع در ساحه حوزه هشتم شهر کابل به قتل رسیده است.

محمد داوود راوش استاد دانشگاه می‌گوید، نشر خبر کودکی که وحشیانه مورد تجاوز و سپس به قتل رسیده، نهایت ابتذال و پستی عاملان آن را به تصویر می‌کشد.

استاد راوش گفت: جنگ، انتحار، انفجار و پخش تصاویر سربریدن آدم‌ها توسط طالبان از طریق رسانه‌های همگانی، یکی از دلایل اصلی بروز چنین عواملی وحشیانه و غیر انسانی است. او می‌گوید: ادامه جنگ در افغانستان و نشر همه روزه خبر انتحار و خشونت روان اکثریت مردم افغانستان را واقعا بیمار ساخته و زمانی که روان مردم بیمار باشد، بروز چنین جنایتی به یک امر طبیعی مبدل می‌شود.

به گفته او: متأسفانه جامعه امروز ما دچار بحران شدید اجتماعی است و همه مردم در برابر چنین وحشی‌گری‌ها، بی‌تفاوت برخورد می‌کنند. وی تأکید کرد: زمانیکه چنین خبری نشر می‌شود، پاسخ اکثریت مردم با نهایت بی‌تفاوتی این است

که «خوب همین طور است، چی کنیم دیگه!» به باور این جامعه شناس، مشکلات اقتصادی، عدم آگاهی دینی کافی و نبود تربیت درست خانواده‌گی عوامل دیگری اند که سبب بروز چنین جنایات می‌گردد.

استاد راوش به این باور است که برای حل این چنین معضلات که نهایت خطر آفرین است، باید همه سهیم باشند؛ هم معارف، هم نهادهای مدنی و هم رسانه‌های افغانستان که نقش اساسی در انسان‌سازی امروز دارند.

با این حال، کمال‌الدین حامد عالم دین و استاد دانشگاه می‌گوید: این چنین کارهای زشت برخاسته از تعالیم دینی نیست که گفته شود چرا یک مسلمان این کار را می‌کند، بل باید توجه کرد که جنایت‌کاران بی‌توجه به باورهای دینی این چنین جنایت را انجام می‌دهند، پس باید عوامل جرم‌شناسی را مورد توجه قرارداد.

وی افزود: جامعه ما جامعه اسلامی است و کل مردم افغانستان خود را مسلمان و پیشقدم در مسلمانی می‌داند؛ ولی این به معنی این نیست همان جنایت کاری که این کار را انجام داده از پیشقدمان در اسلام بوده، بل این جنایت‌کار یک فرد در یک جامعه اسلامی است که به عنوان کل جامعه نمی‌تواند قلمداد گردد.

استاد حامد تأکید کرد: باوجودی که این جنایت تکان‌دهنده بود؛ اما نباید گفت که تمام کودکان در امان نیستند، همان طور که سوء استفاده جنسی از یک کودک توسط یک اسقف بلندپایه در ایتالیا

باعث نگرید که اعلام کنند که همه کودکان در امان نیستند.

به گفته این استاد دانشگاه، جهالت، اعتیاد، فرهنگ خشونت و پریشانی‌های روانی از عوامل اصلی چنین جنایاتی است که در این میان اعتیاد نقش بسیار بارزی دارد.

وی افزود: درکشوری که ده درصد جمعیت آن به گونه‌یی معتاد باشد، شما چه انتظاری دارید و در ضمن عدم مجازات علنی این‌ها تا حدی احساس مصئونیت جنایی را به وجود آورده است.

این عالم دین گفت: مشکل اصلی نا رسایی سیاست جنایی دولت ما است که باید مورد بازبینی قرار گیرد و برای برخی جنایت‌ها برخورد ویژه مدنظر قرار گیرد.

هیأت اداری مجلس نماینده‌گان نیز با واکنش تند در برابر این جنایت گفته که اختطاف، تجاوز و کشته‌شدن یک کودک سه ساله آن‌هم در پایتخت، بسیار تکان دهنده است.

پولیس گفته که یونس سه ساله احتمالاً از سوی برخی افراد معتاد نخست مورد تجاوز قرار گرفته و سپس کشته شده است.

گفتی است که یونس سه ساله پسر یک آش فروش بود.

این بار نخست نیست که کودکان خورد سال اختطاف و سپس مورد تجاوز قرار گرفته و کشته می‌شوند. پیش این نیز رویدادهای مشابه در کابل و شماری از ولایات رخ داده است.

۸۰ درصد معتادان، پس از ترک دوباره به اعتیاد رو می‌آورند



یک گزارش تحقیقی وزارت مبارزه با مواد مخدر نشان می‌دهد که بیشتر معتادان، پس از ترک مواد مخدر، دوباره به استفاده این مواد رو می‌آورند.

سلامت عظیمی، وزیر مبارزه با مواد مخدر روز سه‌شنبه در نشست گفت که در این تحقیق، دلیل استفاده دوباره مواد مخدر از ۶۵ تن به شمول ۳۴۷ مرد و ۱۱۸ زن پرسیده شده است.

بانو عظیمی می‌گوید که دلایل این افراد بیکاری، دسترسی آسان به مواد مخدر و اصرار دوستان بوده است.

بر بنیاد این تحقیق، ۴۱ درصد مصاحبه‌شونده‌گان گفته اند که در نتیجه اصرار دوستان‌شان استفاده دوباره مواد مخدر را آغاز کرده اند. همچنین ۲۱ درصد بیکاری، ۱۸ درصد عضو معتاد خانواده و ۱۹ درصد دیگر دسترسی آسان به مواد مخدر را دلیل بازگشت اعتیادشان خواندند.

بانو عظیمی افزود که این تحقیق دوماه طول کشیده و در ولایت‌های کابل، هرات، قندهار، بلخ، بدخشان و ننگرهار انجام شده است.

او گفت که ۵۲ درصد مصاحبه‌شونده‌گان بی‌سواد، ۲۰ درصد با سواد ابتدایی، ۱۴ درصد تحصیلات متوسط و ۶ درصد تحصیلات نیمه عالی داشتند.

از سوی دیگر احمدجان نعیم، معین وزارت صحت در این نشست گفت که ۱۰۱ بیمارستان برای تداوی افراد معتاد در کشور وجود دارد که سالانه ظرفیت پذیرش و تداوی ۳۵ هزار معتاد را مهیا کرده است. بر بنیاد آمار، از میان ۳ میلیون معتاد افغانستان، ۷ درصد مرد، ۳ درصد زن و ۱ درصد کودکان اند.

آقای نعیم می‌گوید که درصدی چشم‌گیری از معتادینی که ترک کردند، دوباره به کشیدن مواد مخدر رو می‌آورند. آقای نعیم دلایل عمده این بازگشت را فقر، بیکاری، ناامنی و فشارهای روحی - روانی عنوان کرد.

او افزود که حدود ۸۰ تا ۹۰ درصد معتادان تارک، دوباره به کشیدن رو می‌آورند.

با این حال واصل‌نور مومند، معین وزارت کار و امور اجتماعی در این نشست گفت که این وزارت در سه بخش با معتادانی که ترک کرده اند، کمک می‌کند.

اما آقای نور، نبود بودجه را مشکلی بزرگ در برابر تداوی و سپس کاریابی برای معتادان عنوان کرد.

آمار وزارت مبارزه با مواد مخدر نشان می‌دهد که ۱۱ درصد جمعیت افغانستان از انواع مواد مخدر استفاده می‌کنند و با این حساب از هر ۷ شهروند افغان، یکی آن به مواد مخدر معتاد است.

بر بنیاد این آمار، از میان ۳ میلیون معتاد افغانستان، ۷ درصد مرد، ۳ درصد زن و ۱ درصد کودکان هستند.

طرح سند پالیسی امنیت ملی

تصویب شد

در جلسه شورای امنیت ملی که دیروز در ارگ ریاست جمهوری افغانستان برگزار شد، سند پالیسی امنیت ملی کشور تصویب گردید.

براساس خبرنامه ارگ، در این جلسه که به ریاست اشرف غنی رئیس جمهوری کشور برگزار شد، در ابتدا وزرای سکتور امنیتی و دفاعی و رئیس ستاد مشترک ارتش، گزارش‌شان را در مورد وضعیت عمومی امنیتی کشور به جلسه شورای امنیت ملی ارائه نمودند.

سپس تهدیدات دشمنان مردم در سراسر کشور مخصوصاً در زون شرق، شمال و شمال شرق و جنوب مورد بررسی قرار گرفته و جلسه هدایات لازم را جهت دفع آن به قوای امنیتی و دفاعی کشور صادر نمود.

سرپرست وزارت دفاع ملی خاطر نشان ساخت که در این هفته در مقایسه با هفته گذشته در وضعیت عمومی امنیتی کشور بهبود بعمل آمده و جهت دفع تهدیدات موجود در سوق و اداره قوت‌ها در سطح ملی، استراتژیک، اوپراتیفی و تکتیکی میان نیروهای امنیتی کشور تشریک مساعی بهتر گردیده است.

شورای امنیت ملی از تلاش‌های مقامات رهبری نهاد های امنیتی و دفاعی کشور در این راستا و جانفشانی‌های نیروهای امنیتی و دفاعی در مبارزه دلیرانه‌شان بر علیه دشمن، تقدیر بعمل آورد.

سپس، شورای امنیت ملی، طرح سند پالیسی امنیت ملی را مورد غور و بررسی قرار داد.

شورای امنیت ملی ضمن ابراز امتنان از دفتر شورای امنیت ملی، وزارت های سکتور امنیتی و دفاعی و اداره مستقل ارگان های محلی در راستای ترتیب این سند جامع، آنرا مورد تصویب قرار داد.

اختلاف نظر فرماندهان طالبان درباره مذاکرات صلح

نظامیشان آغاز کنند. فرماندهی عالی طالبان موسوم به «شورای کویته» نه از این مذاکرات استقبال کرده و نه آن را محکوم کرد.

سخنگوی این شورا در بیانیه‌یی مبهم گفت: «کمسیون سیاسی» اجازه مذاکره درباره صلح را دارد.

یکی از منابع ارشد شبه نظامیان طالبان که خواست نامش فاش نشود، گفت: طالبان تصمیم گرفته تا به صورت غیر رسمی در این نشست شرکت کند. این سیاست در آینده نزدیک نیز ادامه خواهد داشت. رهبری طالبان بسیار محتاط است و ما هیچ عجله‌یی نداریم.

مینهاج، یکی از فرماندهان طالبان که رهبری ۲۰۰ شبه نظامی را در ولایت قندهار به عهده دارد، گفت: ما تنها زمانی به پای میز مذاکرات می‌آییم که تمامی نیروهای خارجی افغانستان را ترک کنند. مادامی که این نیروهای اشغالگر در افغانستان هستند مذاکرات صلح نتیجه مثبتی نخواهد داشت.

بالقوه در داخل این جنبش به ویژه میان رهبران قدیمی‌تر و جوان‌تر که گاهی تندروتر هستند، تأکید می‌کند.

حاجی حضرت، یکی از رهبران مستقر در هلمند گفت: با قاطعیت از این مذاکرات حمایت می‌کنم و نسبت به نتیجه آن خوش بین هستیم.

اما فرمانده ارشد قاضی در ولایت کنر، یکی از کانون‌های درگیری در چند سال اخیر در نزدیکی مرز پاکستان، این هیأت مذاکره کننده را به عنوان دست‌نشانده‌های اسلام‌آباد رد کرد.

وی که رهبری صدها شبه نظامی طالبان را برعهده دارد، گفت: این رهبران طالبان، نماینده‌گان واقعی گروه شبه نظامی طالبان نبودند و پاکستان آن‌ها را به این نشست برده بود. رهبران واقعی طالبان که در این مذاکرات تأثیرگذار هستند در قطر مستقرند.

طالبان در سال ۲۰۱۳ میلادی دفتری را در قطر تأسیس کرد تا مذاکراتی را در رابطه با توافق صلح مربوط به پایان دادن اقدامات شبه

مقامات مذاکرات هفته گذشته میان مذاکره کننده‌گان دولت افغانستان و طالبان را به عنوان یک پیروزی بزرگ تحسین کردند اما فرماندهان طالبان با تردید پاسخ داده و بر چالش‌های بزرگی که این روند صلح نارس با آن مواجه است، تأکید کردند.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، اعضای شورای عالی صلح افغانستان و رهبران طالبان با هدف تلاش در راستای پایان دادن به درگیری‌های خونین، نخستین مذاکرات رسمی خود را هفته گذشته در پاکستان برگزار کردند؛ آنها موافقت کردند در هفته‌های آتی مجدداً با یکدیگر دیدار کنند، اقدامی که تحسین کابل، اسلام‌آباد، پکن، واشنگتن و سازمان ملل را به همراه داشت.

اما در حالی که برخی فرماندهان طالبان ابراز خوشبینی کردند، بسیاری دیگر به شدت نگران و بیمناک هستند.

این اختلاف در پاسخ‌ها و فرماندهانی که صریحاً مشروعیت مذاکره کننده‌گان طالبان را زیر سوال می‌برند، بر اختلافات خطرناک

بخش سوم و پایانی

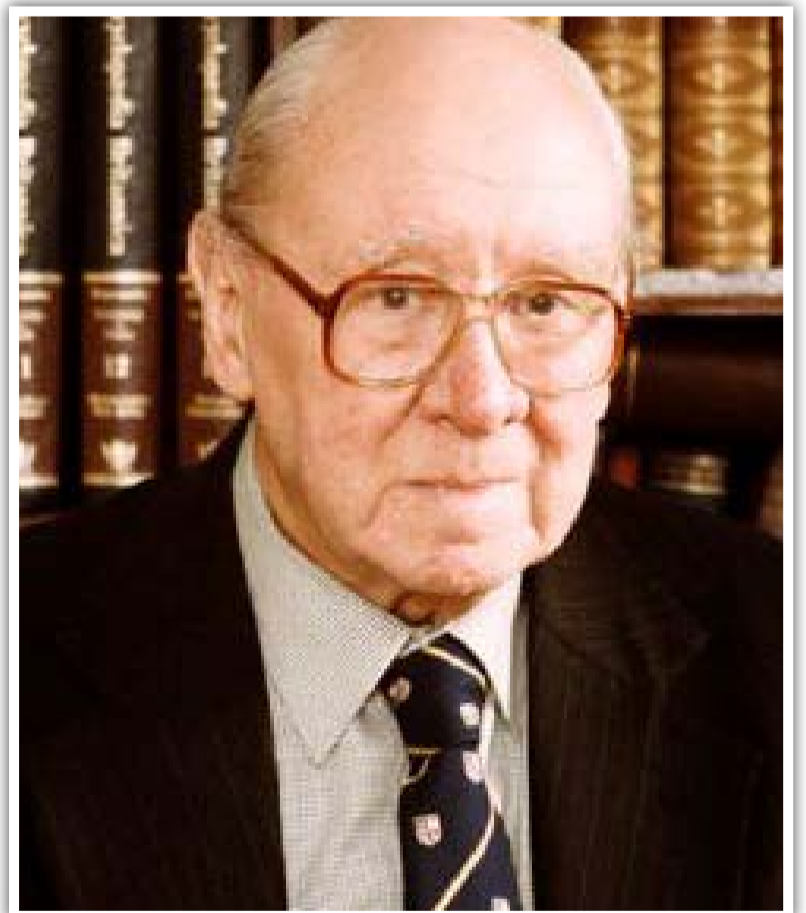
مونتگمری وات؛

کشیش پیامبر شناس

نویسنده: مهدی فرمانیان

وقتی ادوارد سعید تأکید می‌کند که مستشرقان، اسلام را بد فهمیده‌اند و این بدفهمی در زبان، فرهنگ و حال و هوای سیاسی‌شان ریشه دارد، یعنی عمدتاً محیط زنده‌گی‌شان در نگرش آن‌ها به اسلام تأثیر گذاشته است. این حرف صحیحی است... اما هر جا معیار اسلوب‌های تاریخی منطقی توانست واقعیت عینی را تصدیق نماید، انسان باید آن واقعیت را قبول کند... مثل همان بحث اسطوره... که حکایت آدم و حوا از نمونه‌های آن است و برای مبادی نژاد آدمی، توصیف علمی به شمار نمی‌آید... انسان امید آن را دارد تا مسلمانان هم چنین توصیفی از اشاره قرآن به ابراهیم و اسماعیل در مکه را بپذیرند؛ زیرا یقین داریم که ابراهیم به مکه نرسیده... اما ارتباط اسلام یا سنت اسلام با سنت ابراهیمی را در قالب یک تصویر نشان می‌دهد... (همان، ص ۲۲۶-۲۳۰).

هم چنین وات داستان آیات شیطانی یا واقعه غرانیق را پذیرفته، حتا آن را مرزی میان دو دوره تاریخی در برخورد پیامبر با مشرکان می‌داند. وی در فصل محمد (صلی الله علیه و سلم) از کتاب تاریخ اسلام کمبریج،



می‌نویسد: قرآن حداقل یک بار به دخالت شیطان در وحی‌یی که بر محمد نازل شده بود، اشاره می‌کند... محمد (ص) امیدوار بود تا با تاجر بزرگ به توافقی دست یابد. وحی نازل می‌شود و نام الهه لات، عزی و منات در آن ذکر می‌شود. دو یا سه آیه دیگر نیز وساطت این الهه را مورد تأیید قرار می‌دهند. کمی بعد محمد پیام دیگری دریافت می‌کند که آیه‌های قبلی را نسخ می‌کند... به هر صورت، به مرور زمان، او باید پی برده باشد که خوبستن‌داری... در مقابل چنین نیایشی جنبه‌های مهم تعالیمش را به مخاطره می‌اندازد... از این زمان به بعد، تأکید بر یگانه‌گی خدا است که مشخصه منحصر به فرد اسلام شد... (تاریخ اسلام کمبریج، ج ۱،

ص ۷۴-۷۵).

پذیرش دخالت شیطان در وحی و تأکید بر این‌که این پیامبر است که در مسیر راه به این نتیجه می‌رسد که از توجه به الهه‌ها دست بردارد، از جمله انتقادات مسلمانان به تحلیل‌های وات است؛ زیرا نمی‌توان پذیرفت که فردی رسول خدا باشد و شیطان بتواند در دریافت وحی او دخالت کند؛ زیرا دیگر هیچ اعتمادی به هیچ یک از گفته‌های وی نخواهد بود (ر.ک: جعفریان، "تأملی در فصل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) تاریخ اسلام کمبریج" در تأملات تاریخی).

نقدها

آثار وات مورد توجه و تحسین مسلمانان قرار گرفته و تعدادی از تألیفات وی ترجمه شده است؛ اما نقدهایی نیز از سوی اندیشمندان ایرانی و عرب، به ویژه در باب سیره نبوی بر آثار ایشان منتشر شده است. آیت‌الله شعرانی تعلیقاتی بر کتاب محمد پیامبر و دولت‌مرد نوشت، همچنان که استاد سید جعفر شهیدی تعلیقاتی بر کتاب فلسفه و کلام اسلامی دارد. سید محمد تقی در مقاله‌یی در نقد کتاب‌های محمد در مکه و محمد در مدینه نگاشت. [۱۹] پایان‌نامه کارشناسی ارشد جناب آقای

ماهیت وحی پرداخته، برخی از اشتباهات وی را متذکر می‌شود. [۲۵] دانشمندان مسلمان عرب نیز در باب سیره نبوی به نقد تفکرات مونتگمری وات پرداخته‌اند؛ از جمله، عمادالدین خلیل در کتاب المستشرقون و السیره النبویه به تفصیل در دو فصل مجزا به نقد برخی از آرای وات در کتاب محمد در مکه و کتاب محمد در مدینه پرداخته است. [۲۹] به نقد تفکر وات پرداخته‌اند.

با این حال، باید به این نکته اذعان کرد که مونتگمری وات یکی از مستشرقان باانصافی است که به بسیاری از خطاهای مستشرقان و نقاط قوت اسلام و تمدن اسلامی اذعان کرده، به خاورشناسان توصیه می‌کند که به منظور ارتباط خوب با مسلمانان لازم است کاملاً به مدیون بودن خودمان به فرهنگ اسلامی اعتراف کنیم... پنهان ساختن آن نشانه غرور و مباهات بی‌جا و غلط است... من مسلمانان را... نماینده‌گان یک تمدن با دستاوردهای بزرگ می‌دانم... وظیفه ما اروپاییان... این است که... به وامدار بودن عمیق خویش به عرب و جهان اسلام اعتراف کنیم... [۳۰]

آثار مونتگمری وات در طول شصت سال کار علمی خویش (۱۹۳۷-۲۰۰۶) به غیر از تدریس، بیش از سی کتاب و ده‌ها مقاله درباره اسلام و تاریخ آن و نیز روابط مسیحیان و مسلمانان نوشت. مهم‌ترین اثر ماندگار او دو جلد کتاب محمد در مکه و محمد در مدینه و خلاصه آن به نام محمد، پیامبر و دولت‌مرد است که بنابر دیدگاه نویسنده مقاله "ولیم مونتگمری وات" در مجله تایمز لندن، "در نیم قرن اخیر کار قابل مقایسه‌یی با کتاب محمد، پیامبر و دولت‌مرد مونتگمری وات نداریم".

کتاب‌ها (به غیر از آن‌هایی که در بخش زنده‌گانی معرفی شد):

۱. Islam and the Integration of Society (۱۹۶۱); [۳۱]
۲. The Formative Period of Islam- [ic Thought (۱۹۷۳, ۱۹۹۸, ۲۰۰۲); [۳۲]
۳. Islam Political Thought (۱۹۶۸, ۱۹۹۸); [۳۳]
۴. Islamic Philosophy and Theology (۱۹۶۲, ۱۹۷۹, ۱۹۸۵, ۱۹۹۲, ۱۹۹۵, ۱۹۹۶); [۳۴]
۵. Islamic Creeds, A Selection (۱۹۹۵); [۳۵]
۶. The Faith and Practice of Al-Ghazali (۱۹۵۳, ۱۹۹۴, ۲۰۰۰, ۲۰۰۴); [۳۶]
۷. A Short History of Islam (۱۹۹۵); [۳۷]
۸. History at Islamic Spain (۱۹۶۵); [۳۸]
۹. Influence of Islam on Medieval Europe (۱۹۷۲); [۳۹]
۱۰. Islam and Christianity Today (۱۹۸۴); [۴۰]
۱۱. Muhammad's Mecca: History from the Quran (۱۹۸۸); [۴۱]
۱۲. Islamic Fundamentalism and Modernity (۱۹۸۸); [۴۲]
۱۳. Der Islam (۱۹۸۰, ۱۹۸۵); [۴۳]

منبع: پایگاه دانشگاه ادیان و مذاهب

بخش نوزدهم

کارنامه مسعود



عبدالحفیظ منصور

عملیات ناموفق مجاهدین بالای گارنیزون «رخه»، قوای رژیم کابل را چون ماری زخمی ساخت که به هر چه می‌رسید، نیش می‌زد. از آن به بعد، انداخت‌های پراکنده توپخانه و حملات هوایی بر مناطق مسکونی شدت گرفت و روزی نبود که در اثر این انداخت‌های کورکورانه، دهقانی در مزرعه‌اش شهید نشود و یا بانویی در کنار گهواره فرزندش. در پهلوی آن، قوای محصور رژیم کابل تلاش‌هایی به خرج رسانید تا در تپه‌های اطراف گارنیزون مذکور، پسته‌هایی تاسیس نماید و حلقه محاصره را بشکند. گرچه قوای رژیم نتوانست حلقه محاصره را بشکند، ولی در یکی از این حملات، قوماندان عبدالواسع (قوماندان قرارگاه چمالورده) به شهادت رسید.

حمله سوم

شکست شوروی‌ها در حملات بهاری و تابستانی‌شان به پنجشیر و وضعیت بسیار ضعیف پایگاه قوای رژیم کابل در رخه، برای شوروی‌ها جبهه پنجشیر را به حیث یک دشمن سرسخت و نیرومند مطرح کرده بود. بنابراین روس‌ها لشکرکشی مجدد را بدان دره تدارک دیدند که به تاریخ بیستم قوس به تهاجم پرداختند.

حمله وقتی صورت پذیرفت که گارنیزون قوای رژیم کابل در مرکز ولسوالی، زیر آتش دهشکه مجاهدین، مشهور به «دهشکه صوفی» (صوفی غلام‌الدین)، قرار داشت و روزی نبود که دو یا سه تن از سربازان رژیم به قتل نرسند. قوای رژیم از این وضع به حدی به تنگ آمده بود که چند بار موی سفیدان و اهالی قریه‌های ماحول ولسوالی را جمع نموده و اخطار داد تا به مجاهدین توصیه کنند که دست از محاصره بردارند.

نیروهای شوروی در این حمله از ۱۲۶۰ عراده جنگی، راکت‌های ثقیل زمین به زمین و بیش از ده هزار عسکر پیاده‌نظام استفاده بردند، این جنگ که مدت ۱۷ روز در موسم سرما جریان یافت نیز به سود ارتش سرخ نیانجامید. در طول این نبرد، ۲۷ عراده تانک، ۳۵ عراده موتر، دو فروند هلیکوپتر و چهارصد و پنجاه نفر قوای مشترک شوروی و رژیم کابل، از بین رفت و از مجاهدین، ۱۵ تن و از اهالی ملکی، حدود ۱۰۰ نفر به درجه شهادت نایل آمدند.

شوروی‌ها درین عملیات دوصد باب خانه مسکونی، ۶۰ باب دکان را ویران و یا به آتش کشیدند. و مجاهدین پنجشیر طی این درگیری‌ها، ۶۵ میل سلاح گونه‌گون به شمول دو میل زیکیویک، یک میل ماشیندار چارمیل، یک میل نارنجک‌انداز و مقادیری مهمات و مواد به غنیمت گرفتند. هم چنان ۳۲ سرباز و چهار افسر داخلی به اسارت مجاهدین درآمدند.

سربازان شوروی بالاخره به تاریخ ۶ جدی با تحمل خسارات و تلفات مالی و جانی فراوان، پنجشیر را ترک گفته و قوای رژیم کابل مستقر در «رخه» را نیز با خود بردند و پنجشیر کاملاً آزاد گردید. (۷)

شبکه ستم ملی

در زمستان سال ۱۳۵۹ یک شبکه مربوط به سازمان «ستم ملی» در علاقه‌داری حصة دو از جانب مجاهدین کشف گردید. (۸)

این شبکه سال‌ها قبل از جانب «عبدالحفیظ آهنگرپور» یکی از رهبران این سازمان که خود باشنده همین منطقه بود، تاسیس شده بود. آهنگرپور در دوران حکومت داوود خان، محبوس و در پلچرخ کشته شد. به قول معلم محمدنعمیم که امریت علاقه‌داری دره را عهده‌دار بود، این شبکه در سراسر پنجشیر حدود یک‌هزار نفر عضو داشت و در مناطق «دره هزاره»،

ملسپه و تاواخ اکثریت را دارا بودند. اعضای این دسته به سرعت از جانب مجاهدین دستگیر و به زندان انداخته شدند. بیش از سی تن آن‌ها به حکم محکمه، قبل از حمله چهارم شوروی‌ها اعدام گردیدند و بقیه پس از مدتی حبس و اظهار ندامت، رهایی یافتند.

سلفیان و شیعیان و ضرورت بازسازی حافظه جمعی



نویسنده: محمد مختار الشنقیتی

برگرداننده به فارسی: مهران موحد

گاهی اوقات ممکن است ملت‌ها زندانی تاریخ خود شوند و این در صورتی اتفاق خواهد افتاد که حافظه جمعی ملت‌ها فرسنگ‌ها از رویدادهایی که به‌راستی در در تاریخ اتفاق افتاده، فاصله بگیرد و آن‌ها به‌جای این‌که به دنبال آگاهی یافتن از آنچه واقعاً روی داده، باشند، آرزوهای باطنی خود را جایگزین حوادث تاریخی کنند و تلاش و زورند قرائتی از تاریخ ارایه کنند که مبتنی بر جدل و منفی‌بافی و یک‌جانبه‌گرایی باشد.

هرگاه در مورد کشمکش‌ها که میان سلفی‌ها و شیعیان، هم‌اکنون در جهان اسلام در جریان است به کندوکاو بپردازیم، به‌آسانی درخواهیم یافت که مهم‌ترین انگیزه برای این کشمکش‌ها و دعوای اختلاف درباره روایت و تحلیل و تفسیر تاریخ اسلام است. این اختلاف و ستیزه‌گی و ناسازگاری، تنها درباره روایت تاریخ خلافت راشدین نیست، بلکه تاریخ اسلام با همه مراحل آن از جمله هجوم مغول‌ها به دنیای اسلام و جنگ‌های صلیبی و دوره طولانی خلافت عثمانی را در بر می‌گیرد.

دریغ که این اختلاف‌ها ناشی از اختلاف در برداشت‌های آکادمیک و علمی که برکنار از انگیزه‌های غیرعلمی باشد، نیست. اختلاف‌های آکادمیک معمولاً به خون‌ریزی و کشمکش‌های دردناک و تراژیک نمی‌انجامد. در واقع، این نزاع‌ها میان دو حافظه جمعی متضاد صورت می‌گیرد که هیچ یک از آن‌ها مبتنی بر خوانشی دقیق و موشکافانه از گذشته نیست، بلکه بیشتر بر اساس نتیجه‌گیری‌های عجولانه و شتاب‌آلودی است که از نظر منطقی، بر پایه‌های سست و لرزانی بنا یافته و بر مبنای مستندات ضعیف و نامعتبر تاریخی شکل گرفته است. در کنار این‌که هر کدام از این دو قرائت از تاریخ می‌کوشد انبوهی از اوصاف زشت و منفی را بار طرف مقابل کند و هرگز گوشش بدهکار رعایت انصاف و دقت علمی نیست.

روابط نیک سنیان با شیعیان دوازده‌امامی تا موقعی ادامه داشت که مدرسه فکری ابن تیمیه پا به عرصه گذاشت و دیوارهای بلندی میان شیعیان دوازده‌امامی و اهل سنت کشید و پیروان این دو مذهب را از یکدیگر جدا کرد

شیعیان دوازده‌امامی - که برحسب برآوردهای ابن جبیر، جهان‌گرد نامدار و دیگران، اکثریت ساکنان دمشق و حلب را در زمان جنگ‌های صلیبی تشکیل می‌دادند - از هواداران صلاح‌الدین ایوبی بودند و بخشی جدایی‌ناپذیر از لشکریان او. برخلاف آنچه روایت‌های سلفی، امروزه می‌خواهند ترویج کنند. در این زمینه کافی است بدانیم که نخستین کسی که بیوگرافی صلاح‌الدین ایوبی را نوشت، تاریخ‌نویس شیعه‌مذهب، یحیی بن ابی طی حلی بود. از عبارتهایی که به نقل از کتاب‌های ابی‌شامه و دیگران از کتاب آن مورخ شیعه‌مذهب به‌دست ما رسیده، به‌خوبی می‌توان دریافت که او به‌شدت دوست‌دار و هواخواه خاندان ایوبی بوده است

صلاح‌الدین ایوبی با شیعیان به دلیل شیعه بودن‌شان نجنید. نیز علت جنجیدنش با سنی‌ها سنی بودن آن‌ها نبود. ایوبی مردی عمل‌گرا و دادگر بود. مردم را در برابر کارهای زشت‌شان مجازات می‌کرد نه به‌خاطر مذهب‌شان و بیش از آن‌که به بحث و جدل‌های کلامی و فقهی ارزش و اهمیت قایل شود، کارهای اخلاص‌مندان و بی‌شایبه به سود امت اسلام و وفاداری به جامعه اسلامی را بارزترین تلقی می‌کرد و به دیده قدر می‌نگریست

تاریخ و حافظه جمعی

در این‌جا می‌کوشیم در مورد تفاوت و دگرسانی میان تاریخ و حافظه جمعی ملت‌ها سخن برانیم و برای این‌که بهتر بتوانیم موضوع حافظه جمعی آشفته و معشوش را روشن بسازیم، مثالی از صلاح‌الدین ایوبی می‌زنیم و نشان می‌دهیم که چه‌طور سلفیان و شیعیان در حال حاضر با صلاح‌الدین برخورد می‌کنند و خواهیم دید که چه‌گونه ارایه روایتی ناقص و نادرست و تحریف‌شده از صلاح‌الدین ایوبی باعث شده در وضعیتی که مسلمانان بسیار نیازمند یک‌پارچه‌گی و احساس تعلق به هویت مشترک و سرنوشت مشترک هستند، به یگانه‌گی و همبسته‌گی مسلمانان آسیب جدی وارد شود.

می‌توان در خصوص تعریف «دانش تاریخ» گفت که ثبت و تقریر بی‌طرفانه رویدادهای زنده‌گی بشری در محدوده زمان و تحلیل و ارزیابی مفهوم و فلسفه این رویدادها در زمان حال و آینده را دانش تاریخ می‌نامند. نیز در خصوص تعریف «حافظه جمعی» می‌توان نوشت که حافظه جمعی، عبارت است از برجسته‌سازی و یادآوری دل‌بخوای رویدادهای تاریخی به منظور استفاده ابزاری از آن‌ها برای به‌دست آوردن اهداف سیاسی و ایدئولوژیک جمعی. با توجه به این دو تعریفی که از علم تاریخ و حافظه

جمعی ارایه کردیم، به چند تا تفاوت و ناسازواری میان این دو دست می‌یابیم.

نخست این‌که حقیقت در دانش تاریخ، خود هدف است و کاربرد آموزشی و علمی دارد، در حالی‌که حقیقت در حافظه جمعی در خدمت مقاصدی خاص قرار می‌گیرد و در بسیاری از اوقات در پای اهداف آبی و زودگذر قربانی می‌شود.

دوم این‌که بی‌طرفی و خوانش عاری از حب و بغض رویدادهای تاریخی، یکی از ویژه‌گی‌های مهم دانش راستین تاریخ است. این در حالی‌است که حافظه جمعی، خاصیت یک‌جانبه‌نگری و برخوردی عاطفی با مسایل را دارد چرا که هدف حافظه جمعی، یاری رساندن به فرآیند شکل‌گیری هویتی جمعی و ترسیم مرز میان جمعی از مردم با دیگر کتله‌های انسانی‌است حتا اگر این مرز، وهمی و ساخته‌گی و قلابی باشد.

نمی‌خواهم بگویم که حافظه جمعی، پدیده‌ی مطلقاً منفی و ناسودمند است. هر گروه دینی یا میهنی یا نژادی، ناگزیر از داشتن حافظه‌ی جمعی‌است که به صورت داستان‌ها و قصه‌های حماسی پدید می‌آید و شالوده زیست گروهی و کار مشترک گروهی را می‌سازد. مشکل از جایی پدید می‌آید که حافظه جمعی بر مبنای اوها و افسانه‌ها و خرافات و نه

بر پایه حقایق، شالوده‌گذاری شده باشد. یا این‌که حافظه جمعی به جای این‌که کمک کند صاحبان آن حافظه جمعی در صدد تقویت و نیرومندسازی خود برآیند، موجب شود که گروهی که آن حافظه جمعی را با خود یدک می‌کشند، دست به تحقیر و خوارداشت دیگران بزنند و نفرت و سوءتفاهم در میان مردم ایجاد کنند.

دو روایت متضاد از صلاح‌الدین ایوبی

حافظه جمعی سلفی‌ها صلاح‌الدین ایوبی را قهرمان همه مسلمانان نمی‌داند، بلکه او را به عنوان قهرمانی سنی و سلفی تلقی می‌کند که در کارهایی که در طول زنده‌گی‌اش انجام داده، اولویت‌های خاصی را که مورد پسند سلفی‌هاست، در نظر گرفته است. او زنده‌گی سیاسی و نظامی خود را با از بین بردن دولت فاطمیان در مصر آغازید. سپس عزم خود را جزم کرد و سرزمین‌های اسلامی را از چنگ صلیبی‌ها درآورد و پرچم اهل سنت و جماعت را (اهل سنت و جماعت بر اساس همان تعریف تنگ‌نظرانه سلفی‌ها) در شام و مصر و عراق به اهتزاز درآورد. این نگرش تنگ‌نظرانه و کوتاه‌بینانه به صلاح‌الدین ایوبی را می‌توان در نوشته‌های شیخ سفرالحوالی از عربستان سعودی و علی محمد صلابی، تاریخ‌نویس معروف لیبیایی، مشاهده کرد. البته بسیاری از آن‌هایی که چنین تصویری را از صلاح‌الدین رواج می‌دهند و تبلیغ می‌کنند. در وب‌سایت شخصی سفرالحوالی، متن سخنرانی‌یی از او به نشر رسیده زیر عنوان «تبانی رافضیان با صلیبی‌ها در اشغال بیت‌المقدس». در جایی از این سخنرانی چنین آمده: «در اثنای جنگ‌های صلیبی، تبانی و همکاری میان شیعیان و باطنیانی که بر سرزمین‌های مصر و شام، حکم‌روایی می‌کردند و میان صلیبیان مهاجم صورت گرفت. باطنی‌ها برای صلیبیان به منظور اشغال بیت‌المقدس تسهیلاتی را فراهم کردند. باطنیان هیچ جنگی برای دفاع از بیت‌المقدس برضد صلیبی‌ها انجام ندادند. صلیبی‌ها به آسانی وارد بیت‌المقدس شدند و حرمت آن را دریدند و هفتاد هزار از مسلمانان را از دم تیغ بی‌دریغ خود گذراندند تا آن‌جا که اسب‌های‌شان در خون مسلمانان کشته‌شده تا زانو فرو رفت.»

سفرالحوالی سپس از صلاح‌الدین ایوبی سخن می‌راند و می‌گوید: «صلاح‌الدین از نقطه درست شروع کرد و آن این‌که مسلمانان اهل سنت را بر عقیده صحیح و بر کتاب و سنت گرد هم آورد و صف داخلی مسلمانان را از جنایت‌کاران و منافقان و جریان‌های انحرافی پاک‌سازی کرد، آن‌گاه به جنگ با دشمنان بیرونی پرداخت و به یاری خدا به پیروزی‌های چشم‌گیری دست یافت. از همین‌روست که می‌بینیم صلاح‌الدین در مرحله نخست، مناطق تحت اشغال صلیبی‌ها را در شام و فلسطین به حال خود رها کرد و با صلیبیان وارد جنگ نشد و به مصر رفت و دولت فاطمی‌ها را سقوط داد.»

آقای سفرالحوالی در این‌جا مقاومت جنانه و حماسی مسلمانان ساکن بیت‌المقدس به رهبری دولت فاطمی در برابر اشغال‌گران را فراموش می‌کند. مسلمانان بیت‌المقدس به مدت چهار روز زیر فشار محاصره شدید و هجوم‌های پی در پی صلیبیان به مقاومت پرداختند. این را نیز آقای الحوالی نمی‌خواهد بداند که شام در زمانی که مورد هجوم صلیبی‌ها قرار گرفت، هرگز زیر نگین فرمانروایی فاطمی‌ها قرار نداشت.

معنای عملی این خوانش تنگ‌نظرانه و خردک‌نگرانه از صلاح‌الدین ایوبی این است که با الهام‌پذیری از آنچه صلاح‌الدین انجام داد،

رسالت جوانان سلفی امروزی این است که جهان اسلام را از شیعیان پاک بسازند پیش از آن‌که دست به آزادسازی آن از چنگ استعمار خارجی بزنند و نباید با شیعیان حتا اگر شهروندان کشوری یگانه باشند، همکاری کنند و نباید به آن‌ها اعتماد بورزند، هرچند اهداف...

با توافق ۱+۵ و ایران بر سر مسأله هسته‌ای

یکی از معضلات کلان دنیا حل شد

ماندگار - مسأله هسته‌ای ایران، پس از سیزده سال نزاع و «بیست‌ودو ماه مذاکرات نفس‌گیر» به توافق انجامید و هر دو طرف توانستند با انعطاف و مدارا، پرونده هسته‌ای را از کشمکش و دشمنی، به یک بازی برد برد تبدیل کنند.

حل مسأله هسته‌ای ایران میان ایران و شش کشور بزرگ جهان می‌تواند تأثیرات زیادی را روی مناسبات حاکم بر کشورهای جهان و منطقه بگذارد.

ایران که پیش از این به عنوان دشمن و رقیب سر سخت امریکا در منطقه شناخته می‌شده، پس از این می‌تواند به عنوان یک شریک و متحد واشنگتن در راستای مبارزه با تروریسم و تهدیدات دیگری که متوجه دو کشور است، عمل کند. در عین حال اختلاف میان ایران و امریکا بر سر مسایل دیگر از جمله اسرائیل، به جای خود باقی خواهد ماند.

البته مهم است که هر یک از دو طرف این توافق، به بهانه‌یی از خط نگذردند و همه چیز به نقطه اول بر نگردد. اکنون، امریکا و ایران هر دو در بیانیه‌های شان سعی می‌کنند که انجام این توافق را به نفع خویش تفسیر کنند و هر کدام از عباراتی کار گیرند که برد خودشان را بیشتر نشان دهد؛ اما واقعیت این است که با امضای این توافق، ایران به حقی که داشت دست یافت و امریکا و دیگر قدرت‌ها هم به نگرانی‌ها و پرسش‌های شان پاسخ یافتند. این یک پیروزی دو طرفه و بازی برد برد است که سبب حل یکی از معضلات کلان جهان شده است.

توافق ایران و شش قدرت جهان، مورد استقبال همه کشورها به جز اسرائیل قرار گرفته است.

اشرف غنی، رئیس‌جمهوری افغانستان از توافق هسته‌یی میان ایران و کشورهای گروه ۱+۵ استقبال کرده است.

ارگ ریاست‌جمهوری افغانستان با انتشار خبرنامه‌یی نوشته است: «رئیس‌جمهوری افغانستان ضمن ابراز تبریکی به حکومت و مردم جمهوری اسلامی ایران،

تأکید می‌کند که حکومت افغانستان از هر اقدامی که منجر به برقراری و تقویت صلح و ثبات در منطقه و همچنین گسترش مناسبات سیاسی و اقتصادی میان کشورها شود، استقبال می‌کند.»

توافق بر سر مسأله هسته‌ای ایران به عنوان حل یکی از مشکلات کلان دنیا، این امید را به مردم افغانستان می‌دهد که اگر سردمداران و سیاسیون افغانستان با حس وطندوستی و تلاش‌های صادقانه، بخواهند کشورشان را به صلح ثبات برسانند، می‌توانند این به این هدف دست یابند.

توافق هسته‌ای ایران بدون شک تأثیرات گسترده‌یی بر منطقه بر جا خواهد گذاشت. چنان‌که مردم افغانستان انتظار دارند که توافق بر سر مسأله هسته‌ای ایران بتواند به وضعیت این کشور و منطقه نیز سودمند واقع شود.

استقبال جهان

رؤسای جمهور ایران و امریکا در پیام‌های جداگانه‌یی از توافق هسته‌یی استقبال کردند.

اوباما تصریح کرد که بدون این توافق خاورمیانه در معرض خطر جنگ قرار می‌گرفت.

روحانی نیز تحریم‌ها را مسبب بروز شرایط سخت در جامعه خواند و در سخنرانی خود پیرامون توافق هسته‌ای گفت: «مذاکره و توافقی پایدار است که برای دو طرف حالت برد-برد داشته باشد.» وی گفت که تحریم‌ها از لحاظ اقتصادی فشارهایی را بر جامعه اعمال کرد و سبب ایجاد شرایط سخت در کشور شد.

جواد ظریف وزیر خارجه ایران در آغاز نشست نهایی وزیران خارجه هفت کشور در وین گفت که این توافق «کامل» و بی‌عیب نیست، اما با این توافق فصل جدیدی از امید گشوده شده و زمینه همکاری‌های بیشتر افزایش یافته است. در این نشست تمامی وزیران خارجه کشورهای مذاکره‌کننده و فدریکا موگرینی، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا حضور داشتند. ظریف از خاویر سولانا و کاترین

اشتون، مسئولان پیشین سیاست خارجی اتحادیه اروپا و فدریکا موگرینی تشکر کرد.

باراک اوباما، رئیس‌جمهور امریکا نیز اعلام کرد که این توافق به معنای حل همه اختلافات میان ایران و امریکا نیست. وی تصریح کرد که توافق فرصت برای حرکت در جهتی جدید را میسر می‌کند. به گفته رئیس‌جمهور امریکا، بدون توافق هسته‌یی خاورمیانه با خطر جنگی جدید مواجه می‌شد.

جان کری وزیر خارجه و مذاکره‌کننده ارشد امریکا پس از توافق با ایران در یک نشست خبری گفت: ایران برای دست‌کم ۱۵ سال رآکتورهای آب سنگین نخواهد ساخت. او از روحانی، ظریف و پادشاه عمان نیز قدردانی کرد و وزیرخارجه ایران را مذاکره‌کننده‌یی «وطن پرست» خواند.

ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه از توافق اتمی استقبال کرد و گفت که جهان حال می‌تواند «نفس راحتی» بکشد. پوتین تصریح کرد که این توافق کمکی به همکاری‌های روسیه و ایران در زمینه استفاده صلح‌آمیز از انرژی است.

مارتین شولتس، رئیس پارلمان اروپا ضمن استقبال از توافق اتمی، آن را «آغازی برای دورانی جدید» خواند و تصریح کرد، این توافقی خوب برای ایران، منطقه و امنیت جهانی است.

در بیانیه مشترک که از سوی دو طرف به زبان‌های انگلیسی و فارسی قرائت شد، آمده است: «گروه ۱+۵ و جمهوری اسلامی ایران از این «برنامه جامع اقدام مشترک» تاریخی که ماهیت منحصرأ صلح‌آمیز برنامه هسته‌یی ایران را تضمین کرده و نشانگر تغییر بنیادین در رویکرد آنها نسبت به این موضوع می‌باشد، استقبال می‌کنند. آنها انتظار دارند که اجرای کامل این برجام نقشی مثبت در صلح و امنیت منطقه‌یی و بین‌المللی ایفا نماید. ایران مجدداً تأکید می‌نماید که تحت هیچ شرایطی در پی سلاح‌های هسته‌یی، ساخت یا تحصیل آنها نخواهد بود.»

پرچالش هستیم.»

آقای ایزدیار افزود: حکومت گذشته همان‌طوری که چالش‌هایی داشت دستاوردهای نیز داشت؛ اما حکومت کنونی مسوولیت دارد که با چالش‌های موجود در کشور مقابله کند.

ایزدیار خاطرنشان کرد که آقای کرزی مطابق قانون افغانستان حق دارد، اپوزیسیون درست کند و طرحی برای افغانستان داشته باشد و این حق را هیچ کس گرفته نمی‌تواند.

او ابراز امیدواری کرد که رهبران حکومت وحدت ملی در چارچوب قانون متوجه «عملکرد» خود باشند.

روز گذشته عبدالله عبدالله در دیدارش از بدخشان، نایسامانی و چالش‌های کنونی را ادامه چالش‌های گذشته خواند و گفت که رهبران همان حکومت امروز منتظر سقوط حکومت وحدت ملی هستند. او تصریح کرد که مسوولان حکومت گذشته بدانند که بدیل حکومت وحدت ملی طالبان و داعش است.

آقای عبدالله گفته بود که حکومت گذشته، فرصت‌های طلایی را به دوره تاریک تبدیل کرد.

واکنش مجلس سنا به اظهارات رئیس اجرایی:

از مسوولیت فرار نکنید!



مجلس سنا در واکنش به اظهارات عبدالله عبدالله رئیس اجرایی حکومت، می‌گوید که حکومت کنونی مسوول رخدادها و نابسامانی‌های جاری در کشور است و رهبران حکومت وحدت ملی نباید از مسوولیت فرار کنند.

فضل‌هادی مسلم یار رئیس مجلس در واکنش به اظهارات رئیس اجرایی گفت: «متأسفانه ۱۳ سال قبل در افغانستان پارلمان وجود داشت؟ حکومت بود؟ افغانستان قوای مسلح داشت؟ در هر کج کشور تفنگ سالاری نبود؟ حال که نظام درست شده و در اختیار شما گذاشته شده است؛ ممکن است خلا داشته باشد.»

آقای مسلم یار افزود: زمانی که بالای حکومت انتقاد می‌شود می‌گویند شما تحریب می‌کنید؛ ملت در غم است، و شما به انتقاد نمی‌مانید؛ پس مسوولیت خود را ادا کرده

نشست‌های سران حکومت...

وی افزود: عملکرد حکومت وحدت ملی در مورد وضعیت امنیتی و بی‌تفاوتی در برابر ناامنی‌ها، نگران‌کننده و پرسش‌برانگیز است.

رئیس اجرایی حزب جمعیت اسلامی افغانستان ضمن نمایشی دانستن نشست‌های رهبران دولت کابل و مقام‌های امنیتی اظهار داشت که امنیت مردم با ارزش‌تر از برپایی نشست‌های تشریفاتی و اقدامات نمایشی است.

سرپرست ولایت بلخ هشدار داد: حکومت وحدت ملی به ویژه نهادهای امنیتی باید برنامه‌های عملی و

موثری را برای بهبود وضعیت امنیتی در افغانستان اجرا کنند، در غیر این صورت وضعیت و پیامدهای آن غیر قابل کنترل خواهد شد.

اظهارات نور پس از افزایش ناامنی‌ها و انفجار و حمله‌های انتحاری در افغانستان در هفته اخیر بیان شده است.

روز یک شنبه نیز بر اثر انفجار یک موتر بمب‌گذاری شده در نزدیک پایگاه نظامی «چپمن» که پیش از این یکی از پایگاه‌های مهم سازمان سیا بود، دست‌کم ۳۰ کشته به جا گذاشت.

سرپرست ولایت بلخ چندی قبل نیز ضمن ابراز

پس از عید زمان کار کمیسیون...

کمیسیون تلاش کنند تا کمیسیونی مسلکی و تخنیکی برای اصلاحات بسازند.

اعضای کمیسیون ویژه اصلاحات انتخاباتی چهار ماه پیش، بر بنیاد فرمان رییس‌جمهور غنی مشخص شد که پیش از آغاز به‌کار زمان آن به پایان رسید.

سیدحسین فاضل سانچارکی مشاور فرهنگی و رسانه‌یی ریاست اجرایی در گفت‌وگو با روزنامه ماندگار می‌گوید: در روزهای نخست بعد از عید رمضان، زمان آغاز کار کمیسیون اصلاحات انتخاباتی از طرف رهبران دولت وحدت ملی اعلام خواهد شد.

آقای سانچارکی از چهره‌های تازه معرفی شده در ترکیب این کمیسیون نام نمی‌برد، اما می‌گوید: چهره‌هایی که از طرف ریاست جمهوری و ریاست اجرایی معرفی شده بودند، روی شان بحث شده که از این میان، شمار زیادی از این چهره‌ها مورد تفاهم قرار گرفته و نام‌های شان در آینده نزدیک اعلام خواهد شد.

مشاور فرهنگی و رسانه‌یی ریاست اجرایی می‌افزاید: در ترکیب تازه، چهره‌های جدید معرفی شده، اما کسانی که پیش از این بر بنیاد فرمان رییس‌جمهور مشخص شده بودند نیز حضور دارند.

آقای سانچارکی یکی از علت‌های تأخیر کار کمیسیون اصلاحات انتخاباتی را انتخاب چهره‌های متخصص و با تجربه دانسته می‌گوید: کسانی که در این کمیسیون معرفی می‌شوند باید از دانش، تخصص و تجربه انتخاباتی و حقوقی برخوردار باشند.

او خاطر نشان می‌کند: تا حال لیست طولانی‌یی از طرف جامعه مدنی، نهادهای نظارت‌کننده انتخابات و رسانه‌ها فرستاده شده که از میان آن‌ها یک مجموعه مسلکی و آگاه انتخاب خواهد شد تا بتوانند از عهده انجام اصلاحات لازم برآیند.

هم‌چنان، صدیق‌الله توحیدی معاون کمیسیون اصلاحات انتخاباتی، کار کمیسیونی که توسط فرمان رییس‌جمهور به‌منظور اصلاحات انتخاباتی تعیین شده بود را پایان یافته اعلام کرده، می‌گوید: از ابتدا هم از هر دو طرف تقاضا کرده بودیم که کمیسیون اصلاحات انتخاباتی را تخنیکی بسازید تا سیاسی، چون کمیسیون تخنیکی می‌تواند بیشتر روی موضوعات جلوگیری از تقلب‌ها در آینده جلوگیری کند.

آقای توحیدی خطاب به رهبران دولت وحدت ملی می‌گوید: «لطفاً به حال ملت رحم کنید و یک کمیسیون تخنیکی، متخصص و بی‌طرف را بسازید تا تمام جوانب تقلب در پروسه انتخابات را بررسی کنند و اصلاحات سراسری در نظام انتخاباتی افغانستان باید به وجود آید.»

آقای توحیدی با بیان این‌که اصلاحات محدود و معین نمی‌تواند اعتماد مردم را دوباره به پروسه انتخابات در افغانستان جلب کند، تأکید می‌کند: حضور چهره‌های معروف به تقلب در نهادهای انتخاباتی هم سبب بدگمانی بیشتر مردم به انتخابات خواهد شد.

آقای توحیدی تصریح می‌کند: با گذشت هر روز قید زمانی دولت وحدت ملی نیز رو به پایان است و رهبران دولت باید هر چه عاجل به اصلاحات مطرح شده بپردازند.

حزب اسلامی حمایتش...

در بیانیه‌یی که در وبسایت

شهادت به نشر شده بود، از حمایت داعش در برابر طالبان سخن گفته بود.

اما هارون زرغون سخنگوی حزب اسلامی به رهبری گلبدین حکمتیار، بعد از رد حمایت حکمتیار از سوی داعش، اعلام کرد: بیانیه‌یی که هفته گذشته مبنی بر حمایت حزب اسلامی از گروه داعش توسط رسانه‌ها منتشر شده جعلی است.

وی در مصاحبه با رویترز گفت: هیچ یک از رهبران حزب اسلامی حکمتیار در حمایت از داعش بیانیه‌یی را منتشر نکرده‌اند.

هفته گذشته گلبدین حکمتیار رهبر حزب اسلامی افغانستان، با صدور بیانیه‌یی به پیروان خود گفته بود: در صورتی که میان طالبان افغانستان و آن دسته از جنگجویان طالبان که به گروه تروریستی داعش پیوسته‌اند، درگیری صورت گیرد باید از این جنگجویان حمایت کرد.

انتشار بیانیه حزب اسلامی حکمتیار در مورد حمایت از گروه تروریستی داعش موجی از واکنش‌ها را با خود به همراه داشت.

سلفیان و شیعیان و...

و دغدغه‌های مشترکی با هم داشته باشند.

در حافظه جمعی شیعیان امروزی، صلاح‌الدین ایوبی نه تنها مطلقاً قهرمان نیست بلکه ماجراجویی نظامی است که مهم‌ترین دولت را - که دولت فاطمی باشد - از میان برداشت و با صلیبی‌ها دست به سازش زد و در معاهده «رمله» بخشی از سرزمین‌های اسلامی را به آن‌ها واگذار کرد و با سرکوب کردن شیعیان و طعمه آتش ساختن کتاب‌خانه‌های فاطمیان در مصر، اقدام به ترویج و نشر جهل و تعصب و دگم‌اندیشی کرد.

این‌گونه رویکرد نسبت به مرده‌ریگ صلاح‌الدین ایوبی را می‌توان در کتابی که تاریخ‌نگار اهل سوریه، حسن امین، زیر عنوان «صلاح‌الدین ایوبی و عباسیان و فاطمیان و صلیبیان» نوشته به‌خوبی مشاهده کرد. یکتا از نویسنده‌گان شیعه‌مذهب، احمد راسم نفیس، تا آن‌جا در نکوهش عملکرد صلاح‌الدین پیش رفته که او را «هولاکوالدین ایوبی» نامیده است.

در این‌جا نویسنده‌گان شیعه‌مذهب به این نکته توجه نمی‌کنند که صلاح‌الدین ایوبی با آن‌که اشتباهات متعددی را مرتکب شد که از جمله این اشتباهات می‌توان از کوتاهی‌اش در حق کتاب‌خانه‌های مصر یاد کرد، زنده‌گی‌اش را وقف تلاش برای بازپس‌گیری سرزمین‌های اسلامی از دست کفار صلیبی نمود و همه عمرش را با صرف جنگ کرد یا صرف بهره‌داری از مرزهای سرزمین‌های اسلامی. حال آن‌که زمام‌داران هم‌دوره‌اش همه‌گی غرق ناز و نعمت شاهانه بودند و از مشکلات مردم به‌شدت غافل. از جمله همین زمام‌داران در گام نخست از خلیفه‌گان فاطمی باید یادآوری کرد که پس از زوال دولت خود، گنج‌های سرشار از طلا و جواهر را به یادگار گذاشتند و حتا مورخان نتوانستند تعجب خود ناشی از افسانه‌یی بودن این گنج‌ها را پنهان کنند.

معنای عملی این رویکرد نسبت به میراث صلاح‌الدین ایوبی این است که شیعیان نباید به‌جز به هم‌مذهبان خود اعتماد کنند و بایسته است به شک و تردید نسبت به رفتار سنیانی که دم از مقابله و رودررویی با دشمنان خارجی می‌زنند، نگاه کنند.

با نگاهی موشگافانه و نکته‌سنجانه به زنده‌گی صلاح‌الدین ایوبی با تکیه بر منابع دست اولی که در زمان زنده‌گی او یا کمی پس از مرگش به رشته تحریر کشیده شده، به‌روشنی درمی‌یابیم که هر دو خوانش - خوانش سلفی و خوانش شیعی - از زنده‌گی سیاسی و نظامی صلاح‌الدین ایوبی، ساده‌انگارانه و مصداق ساده‌سازی شخصیتی پیچیده و چندپهلوست. در واقع، ما می‌خواهیم بدین وسیله صلاح‌الدین را در ذیل چارچوب‌های فرقه‌یی‌بی که بر فضای فکری ما امروزه حکم‌روایی می‌کند، تعریف کنیم. هر دوی این دو حافظه جمعی - حافظه جمعی سلفی‌ها و حافظه جمعی شیعیان - دو نمونه تمام‌عیار از حافظه جمعی‌یی به حساب می‌آیند که بر مبنای اوهام و افسانه‌ها شالوده‌گذاری شده است.

اشکال‌های روایت سلفی از صلاح‌الدین ایوبی

اشکال روایت سلفی‌ها از صلاح‌الدین ایوبی در دو جا آشکار می‌شود: اولاً: صلاح‌الدین ایوبی، سنی به آن مفهومی که سلفی‌های امروزه در ذهن دارند نبود، چرا که او از رهگذر کلامی و عقایدی، اشعری‌مذهب بود. بر اساس آنچه سیوطی و دیگران نوشته‌اند، صلاح‌الدین، مؤذنان را دستور داده بود که هر شب از منبرهای خود عقیده اشعری را جار بزنند. همچنین، قاضی شرع صلاح‌الدین و نویسنده زنده‌گی‌نامه‌اش، ابن شداد، یادآور می‌شود که صلاح‌الدین سروده‌های صوفیانه را می‌شنید(صوفی‌مشراب بود).

از جمله اصول ارزش‌مندی که ابوالحسن اشعری، پایه‌گذار مکتب کلامی اشاعره، پایه‌گذاری و ترویج کرد این بود که تکفیر هیچ یک از کسانی که به سوی کعبه نماز می‌گزارند (اهل قبله)، روا نیست.

واقعیت آن است که اگر صلاح‌الدین سلفی می‌بود و با اشعریان دشمنی می‌ورزید و صوفیان را بدعت‌گذار

و منحرف از دین می‌شمرد و شیعه‌مذهبان را کافر می‌دانست، هرگز نمی‌توانست مسلمانان را زیر پرچمی واحد گرد آورد و سرزمین‌های اسلامی را از دست دشمنان اسلام نجات دهد.

بخت‌یاری مسلمانان در زمان جنگ‌های صلیبی این بود که صلاح‌الدین ایوبی که پرچم دفاع از کیان امت اسلامی را حمل می‌کرد، صاحب خردی اشعری و پیچیده بود و نابخیرباری و بدشانسی مسلمانان در عصر حاضر این است که آن‌هایی که خود را مدافع یا دشمن دواشته صلاح‌الدین ایوبی قلم‌داد می‌کنند، برخوردار از عقل سلفی ساده‌انگار یا خرد شیعی ساده‌پندار هستند و می‌خواهند شخصیت‌های پیچیده و چندپهلوی تاریخی را به دل‌خواه خود دسته‌بندی کنند.

این را از این جهت نمی‌گوییم که من خودم وابسته به مذهب اشعری هستم. بنده الله الحمد لله اشعری هستم و نه سلفی، نه شیعه‌مذهبیم و نه سنی‌مذهبیم. بهتر می‌دانم خود را مسلمان بنامم، همان نامی که قرآن کریم برای پیروان حضرت محمد برگزیده است (هو سماکم المسلمین). این‌که به عنوان مسلمان شناخته

را در برابر کارهای زشت‌شان مجازات می‌کرد، نه به خاطر مذهب‌شان و بیش از آن‌که به بحث و جدل‌های کلامی و فقهی ارزش و اهمیت قایل شود، کارهای اخلاص‌مندانه و بی‌شایبه به سود امت اسلام و وفاداری به جامعه اسلامی را بارزش تلقی می‌کرد و به دیده قدر می‌نگریست.

او مدتی به عنوان وزیر در دولت فاطمیان کار کرد. همان‌گونه که با پسران نورالدین زنگی که سنی‌مذهب بودند، هفت سال جنگید تا شام را با مصر در مواجهه با لشکریان صلیبی، متحد و یک‌پارچه بسازد.

جالب این‌که این اثر که تاریخ‌نگاری سنی‌مذهب است، شدیدترین انتقادات را در کتاب تاریخ خود، نسبت به صلاح‌الدین روا داشته؛ چرا که این اثر از دوست‌داران و نزدیکان خاندان زنگی در موصل و حلب بود، در زمانی که ایوبی با آن‌ها می‌جنگید.

عماره یمنی، فقیه و چاه‌سرای سنی‌مذهب، همان کسی بود که دست به شورش برضد صلاح‌الدین زد و تلاش‌های فراوانی انجام داد تا بلکه بتواند دولت فاطمی شیعه‌مذهب را دوباره به قدرت برساند. انگیزه‌های منفعت‌طلبانه عماره بر گرایش مذهبی‌اش



و اصطلاحات تاریخی تازه پیدا شده شوم.

ثانیاً: صلاح‌الدین ایوبی، هیچ مشکلی با شیعیان اثناعشری که اکثریت شیعیان امروزی را تشکیل می‌دهند نداشت، مشکل او با شیعیان اسماعیلی فاطمی - از جمله با زمام‌داران آن زمان مصر - و نیز با گروه خون‌ریز حشاشین (پیروان حسن صباح) بود. گروه اخیرالذکر، تلاش‌هایی به خرج داده بود برای ترور صلاح‌الدین ایوبی، اما موفق نشده بود.

از همین رو، هنگامی که دولت فاطمی که پیرو مذهب اسماعیلی بود زوال یافت، بسیاری از اسماعیلیان به مذهب شیعه اثناعشری گرویدند چرا که دوازده‌امامی‌ها پس از زیدیه بیشترین مقبولیت را در نزد مسلمانان سنی در آن زمان - و بعدها نیز - داشتند. روابط نیک سنیان با شیعیان دوازده‌امامی تا موقعی ادامه داشت که مدرسه فکری ابن تیمیه پا به عرصه گذاشت و دیوارهای بلندی میان شیعیان دوازده‌امامی و اهل سنت کشید و پیروان این دو مذهب را از یک‌دیگر جدا کرد.

شیعیان دوازده‌امامی - که بر حسب برآوردهای ابن جبیر، جهان‌گرد نامدار و دیگران، اکثریت ساکنان دمشق و حلب را در زمان جنگ‌های صلیبی تشکیل می‌دادند - از هواداران صلاح‌الدین ایوبی بودند و بخشی جدایی‌ناپذیر از لشکریان او. برخلاف آنچه روایت‌های سلفی، امروزه می‌خواهند ترویج کنند.

در این زمینه کافی است بدانیم که نخستین کسی که بیوگرافی صلاح‌الدین ایوبی را نوشت، تاریخ‌نویس شیعه‌مذهب، یحیی بن ابی طی حلبی بود. از عبارت‌هایی که به نقل از کتاب‌های ابی‌شامه و دیگران از کتاب آن مورخ شیعه‌مذهب به دست ما رسیده، به خوبی می‌توان دریافت که او به شدت دوست‌دار و هواخواه خاندان ایوبی بوده است.

صلاح‌الدین ایوبی با شیعیان به دلیل شیعه بودن‌شان نچنگید. نیز علت جنگیدنش با سنی‌ها سنی بودن آنها نبود. ایوبی مردی عمل‌گرا و دادگر بود. مردم

تبعید شده بودند تا آن‌که صلاح‌الدین آمد و ستم را از آن‌ها رفع کرد و آن‌ها را به شهرشان بازگرداند. نباید درباره اقدام صلاح‌الدین ایوبی مبنی بر ساقط ساختن دولت فاطمی، انگیزه‌های مذهبی و فرقه‌یی جست‌وجو کنیم. صلاح‌الدین، دولت‌های کوچک دیگری را نیز در شام و عراق که همه سنی‌مذهب بودند، از میان برداشت تا بدین‌گونه وحدت و یک‌پارچه‌گی مسلمانان را در برابر دشمن بیرونی، تأمین کند.

هنگامی که صلاح‌الدین تصمیم گرفت جلو کارهای نادرست خلافت فاطمی را بگیرد، خلیفه فاطمی، العاضد بالله را نکشت - برخلاف سنت حاکم بر آن دوران، دورانی که شاهد ترورها و قتل‌های سیاسی پرشمار و بی‌رویه‌ای بود - بلکه کوشید به تدریج برنامه‌های خود را پیاده کند و صبر کرد تا العاضد بالله به مرگ طبیعی رخت از جهان ببردند. برپایه آن‌چه ابن شداد می‌نویسد، هنگامی که آخرین خلیفه فاطمی درگذشت، سلطان صلاح‌الدین، مراسم عزاداری بزرگی برگزار کرد و به خاطر مردن خلیفه از خود اندوه نشان داد و او را ستود و فضایلش را برشمرد.

ثانیاً: ادعای حسن امین در مورد این‌که صلاح‌الدین ایوبی با صلیبیان دست به سازش‌کاری زد و بخشی از سرزمین‌های اسلامی را به آن‌ها واگذار کرد، ادعایی است سخیف و بی‌معنا و گزافه‌آمیز. بی‌گمان این سخن، سخن کسی است که نمی‌داند یا نمی‌خواهد بداند که وضعیت نظامی هر دو طرف جنگ در دوره جنگ صلیبی سوم چه‌گونه بود.

کافی‌است این نکته را یادآور شویم که مؤرخان صلیبی در گذشته و خاورشناسان در عصر حاضر، بیشتر از مورخان کذایی یاد شده در هنگام نوشتن دیدگاه‌های خود انصاف را در مورد صلاح‌الدین رعایت کرده‌اند.

تاریخ‌نویس کشیش، ویلیام صوری که در زمان زنده‌گی‌اش حوادث مربوط به جنگ‌های صلیبی سوم صورت گرفته، پیوسته از دلاوری و نجابت و بزرگی و سخاوت سلطان صلاح‌الدین ستایش می‌کند. در عین حالی‌که به بسیار حسرت و افسوس و اندوه از بازپس گرفته شدن بیت‌المقدس از دست صلیبی‌ها توسط صلاح‌الدین یاد می‌کند.

امروزه خاورشناسان، به سجایای پسندیده و خصایل حمیده سلطان صلاح‌الدین اعتراف می‌کنند. از جمله این‌ها می‌توان از همیتون جبب که کتاب «زنده‌گی صلاح‌الدین» را نوشته و جیفری هندلی که کتاب «صلاح‌الدین» به رشته تحریر درآورده و آندرو اهرنکیرتز که او نیز کتابی در باره صلاح‌الدین نگاشته، یاد کرد.

حافظه جمعی، پایه هویت هر مردمی را تشکیل می‌دهد و حافظه جمعی آشفته و مغشول، هویت تحریف‌شده و آشفته به وجود می‌آورد و در نتیجه صاحبان آن هویت کذایی به مردمانی تبدیل می‌شوند که با خودشان درگیر نبرندند.

خوانش سلفی و شیعی از زنده‌گی صلاح‌الدین ایوبی، تنها دو نمونه از نمونه‌های بسیاری از محصولات حافظه جمعی ماست. هر کدام از این دو نمونه نشان می‌دهد که حافظه جمعی ما نیازمند بازسازی مجدد است.

گفتنی‌است، صاحب‌نظران اهل قلمی در میان شیعیان و سنیان - مثل احمد کاتب از عراق و محمد احمری از عربستان سعودی - وجود دارند که تلاش می‌ورزند نارسایی‌هایی را که در نگاه ما به تاریخ و گذشته هست پیدا کنند و نسبت به میراث فکری ما دست به بازنگری جدی بزنند و قرائت تازه و دگرگونه از تاریخ عرضه کنند.

اگر برداشت‌های ما از تاریخ مورد بازنگری قرار نگیرد، ممکن است مسلمانان به انتحار دسته‌جمعی سوق داده شوند. ما نیازمند تلاش‌های مضاعفی هستیم تا حافظه جمعی ما را آسیب‌شناسی کنیم و آن را بر مبنای حقایق تاریخی و نه اوهام و افسانه‌های فرقه‌گرایان دوباره بسازیم. آیا روزی چنین کاری صورت خواهد گرفت؟

چنین‌اند و بیش از هر چیزی، منفعت‌های مادی برای‌شان ارزش‌مند است).

عماره در سروده‌هایش به‌صراحت می‌نویسد که او به‌خاطر دریافت صلت و مزایای مادی، خلیفه‌گان فاطمی را ستایش می‌کند با آن‌که از لحاظ مذهبی، با آن‌ها مخالف است.

عماره بیش از آن‌که به شیعه بودن یا سنی بودن عنایتی داشته باشد، دغدغه صلت‌هایی را داشت که از خلیفه‌گان فاطمی در برابر سرودن شعر در ستایش آن‌ها دریافت می‌کرد. او در باره ترک خوردن وحدت مسلمان پس از جنگ‌های جمل و صفین نمی‌اندیشید، بلکه بیشتر خوش‌گذرانی‌های شاهانه در کاخ‌های فاطمیان برایش اهمیت داشت. او آشکارا به این مسأله در سروده‌هایش اشارت کرده است.

اشکال‌های برداشت شیعیان از شخصیت صلاح‌الدین ایوبی

برداشتی که امروزه بر فضای فکری شیعیان حاکم است، صلاح‌الدین ایوبی را متهم به خیانت به مسلمانان و سازش‌کاری با صلیبی‌ها می‌کند - آن‌گونه که حسن امین، در کتابش آورده است. اما نادرست و ناقص بودن این برداشت، آشکارتر از کفر ابلیس است. اولاً: برعکس رویه امیران و زمام‌دارن پیش از خود - مثل نورالدین زنگی - صلاح‌الدین ایوبی دست به سرکوب شیعیان زد، بلکه کوشید آن‌ها را به دلیل اشتراک و نزدیکی عقاید دینی و با وجود تفاوت‌های مذهبی در آغوش بکشد و از آن‌ها حمایت کند. در همین راستا تلاش کرد آن‌ها را بخشی از لشکر خود بسازد و برضد صلیبی‌ها بسیج کند.

بی‌جهت نیست که تاریخ‌نویس شیعه‌مذهب، ابن ابی طی، صلاح‌الدین را می‌ستاید و کتابی در مورد زنده‌گی‌اش می‌نویسد. پدر و خانواده این ابی طی (پدر ابن ابی طی از فقیهان و رهبران شیعه در حلب، بود) در زمان نورالدین زنگی، از شهرشان حلب،

توافق هند و امریکا برای امضای

توافقنامه نظامی ۱۰ میلیارد دلاری



امریکا با امضای توافقنامه ۱۰ میلیارد دلاری نظامی با هند، روسیه را پشت سر خواهد گذاشت و بزرگترین شریک مقامات دهلی نو خواهد شد. به گزارش اکسپرس نیوز، دولت هند در مورد امضای توافقنامه ۱۰ میلیارد دلاری نظامی با دولت امریکا به توافق رسیده است.

در حالی که روسیه پیش از این بزرگترین تامین کننده سلاح هند بود، امریکا با امضای توافقنامه ۱۰ میلیارد دلاری برای ۸ سال آینده، مسکو را در این خصوص پشت سر خواهد گذاشت.

به گفته رسانه‌های هندی، دهلی نو علاوه بر توافقنامه متفاوت دفاعی با کشورهای مختلف، بزرگترین وارد کننده سلاح امریکا در سراسر جهان شده است. دولت هند با معامله‌های ۱۰ میلیارد دلاری با رژیم صهیونیستی طی ۱۵ سال گذشته، وارد کننده سلاح این رژیم نیز هست که بر اساس آن، تل آویو طیف وسیعی از هواپیماهای بدون سرنشین، موشک‌های پیشرفته و سیستم رادار و ضد رادار را برای دهلی نو فراهم می‌کند.

دولت هند پس از رژیم صهیونیستی، ۸۱ هواپیمای بدون سرنشین از امریکا تحویل خواهد گرفت.

دولت نازندرا مودی بر اساس این توافقنامه یاد شده، هواپیماهای بدون سرنشین با ارزش یک میلیارد دلاری را نیز از امریکا خریداری خواهد کرد که بزرگترین معامله سال جاری میلادی خواهد بود.

گفتنی است که مذاکرات بین مقامات هند و امریکا در این خصوص بزودی در دهلی نو آغاز خواهد شد.

دولت هند با همکاری امریکا در مناطق شرقی خود از جمله در ایالت «تامیل نادو» کارخانه‌های سلاح را نیز تشکیل خواهد داد.

کارشناسان دفاعی هند معتقدند که تمایل دولت این کشور بسوی خرید سلاح زیاد، احتمال تظاهرات مردم هند را در پی خواهد داشت زیرا اکثر مردم در این

علت شکست حزب عدالت و توسعه ترکیه معلوم شد:

عینک ری بن!



ستون‌نویس روزنامه «ملی‌گازتادیلی» ترکیه در مطلبی گزارش داد که مقام‌های حزب عدالت و توسعه علت ناکامی خود در انتخابات هفتم ژوئن را استفاده از عینک‌های آفتابی برند «ری بن» می‌دانند!

به گزارش روزنامه تودی زمان، احمد یاوز، ستون‌نویس ملی‌گازتادیلی در مطلبی نوشت، پس از آنکه حزب عدالت و توسعه موفق نشد تا آرای لازم را برای ادامه دولت تک‌حزبی خود به دست آورد، مقام‌های حزب اطلاعیه‌ای را برای شاخه جوانان در هر منطقه ارسال کردند و طبق آن اعضا باید از استفاده از عینک‌های آفتابی، دستمال جیبی و کفش‌های چرم خودداری کنند چراکه این اقدام آنها را «بی‌تفاوت» نشان می‌دهد و «اثرات منفی» دارد.

در این مطلب آمده است: حزب عدالت و توسعه که در جریان سه انتخابات پیشین آرای خود را افزایش داده بود، در انتخابات هفتم جون ۹ درصد از آرای خود را از دست داد. اگرچه آنها باز هم توانستند که حزب اول شوند اما مقام‌های حزب به دنبال چیزی بودند تا تقصیر ناکامی خود را به گردن آن بیندازند. برخی از آنها گفتند تکبر، برخی گفتند فساد، برخی از آنها فساد و برخی ساخت کاخ ریاست جمهوری جدید را علت شکست دانستند. نهایتاً تقصیر شکست حزب عدالت و توسعه به گردن عینک «ری بن» افتاد!

از سوی دیگر روزنامه «طرف دیلی» در گزارشی اعلام کرد که نهادهای استانی حزب عدالت و توسعه لیستی از علت‌های احتمالی عدم تمایل رای‌دهندگان به حمایت از حزب عدالت و توسعه تهیه کرده‌اند.

براساس این گزارش، برخی از اظهارات رجب طیب اردوغان رئیس جمهوری ترکیه علیه کوبانی و یا سایر مقام‌ها جزو علل شکست حزب مذکور در انتخابات ذکر شده است. زمانی که شبه‌نظامیان تروریست داعش به شهر مرزی کردنشین کوبانی در شمال سوریه حمله کردند، اردوغان گفت که «کوبانی به زودی سقوط می‌کند».

این لیست همچنین مواردی از جمله عدم حساسیت بر روی مسائل مذهبی و تاخیر در اعلام اذان ظهر دیده می‌شود.

در جریان کارزار انتخاباتی احمد داوود اوغلو، نخست‌وزیر ترکیه در استان جنوبی کارامان و به دلیل طولانی شدن سخنان وی، اعلام اذان با تاخیر انجام شده بود.

در این گزارش تاکید شده است که نهادهای استانی، مقام‌های اصلی حزب را عامل شکست می‌دانند در حالی که خود مقام‌های اصلی، اردوغان را عامل اصلی می‌شناسند.

کشور زیر خط فقر زندگی می‌کنند. دولت هند پس از پیشرفت در توافقنامه هسته‌ای غیر نظامی اخیرش با امریکا، قادر به نصب نیروگاه‌های هسته‌ای به سبک واشنگتن شده است. براساس توافقنامه هسته‌ای غیر نظامی هند و امریکا، دولت هند باید تاسیسات نظامی و غیر نظامی را از هم تفکیک کند و تاسیسات غیر نظامی را نیز تحت نظر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA) قرار دهد و در عوض، امریکا برای همکاری کامل در زمینه تاسیسات غیر نظامی با هند رضایت داده است.

امریکا هر ساعت چهار میلیون دالر در افغانستان مصرف می‌کند

میلیون دالر است در حالی که در سال ۲۰۰۶ میلادی این هزینه‌ها ۳۹۰ هزار دالر برای هر سرباز اعلام شده بود. کارشناسان نظامی نیز بر این باورند که مبالغ زیادی برای جابجایی تجهیزات نظارتی و حمل و نقل نیروهای نظامی می‌شود. به عنوان نمونه، برای هر گالن سوخت به منظور حمل و نقل نیروهای نظامی در مناطق کوهستانی افغانستان ۴۰۰ دالر هزینه می‌شود.

این در حالی است که هزینه ۷۰۰ میلیارد دلاری برای جنگ افغانستان شامل تمام پیامدهای جنگ مانند هزینه‌های درمانی برای کهنه سربازها و نظامیان زخمی شده نمی‌شود.

بودجه‌های اختصاص داده شده همچنین شامل سود قرض‌هایی که امریکا برای جنگ افغانستان دریافت کرده نیز نمی‌شود. دانشگاه هاروارد در سال ۲۰۱۳ میلادی، نیز جنگ افغانستان و عراق را پیش از پایان صرف هزینه‌های درمانی سربازان زخمی و کهنه سربازان این دو جنگ، پرهزینه‌ترین جنگ‌های تاریخ اعلام کرد.

اشراف‌غنی رئیس جمهور افغانستان پس از روی کار آمدن در ماه سپتامبر سال گذشته میلادی، پیش بردن مذاکرات صلح را در اولویت کار خود قرار داد و در اولین گفت‌وگوی مستقیم مقامات دولت کابل و طالبان توافق شد که پس از ماه مبارک رمضان بار دیگر نشست را برگزار کنند.

ناظران سیاست خارجی امریکا معتقدند که در مرحله بعدی مذاکرات مستقیم کابل و طالبان، امریکا نیز وارد این مذاکرات خواهد شد.

نهاد اولویت‌های ملی امریکا در بررسی خود به این نتیجه رسیده است که در هر ساعت از جنگ امریکا در افغانستان، ۴ میلیون دالر از مالیات امریکایی‌ها هزینه می‌شود. به گزارش راشا تودی، اطلاعات جدید نشان می‌دهد که برخلاف برنامه اوباما مبنی بر کاهش تعداد نیروهای امریکایی در افغانستان، مالیات‌دهنده‌گان این کشور در هر ساعت حدود ۴ میلیون دالر برای جنگ افغانستان پرداخت می‌کنند.

برخی ناظران معتقدند که باتوجه به هزینه‌های هنگفت جنگ افغانستان، دولت اوباما و اشراف‌غنی می‌دانند که تنها راه پایان به این جنگ گفت‌وگوهای صلح است.

براساس گزارش «پروژه اولویت‌های ملی» گروه تحقیقاتی مستقل بودجه فدرال امریکا، از آغاز حمله امریکا به افغانستان در سال ۲۰۰۱ میلادی، بیش از ۷۰۰ میلیارد دالر صرف جنگ در این کشور شده است.

بودجه سالانه امریکا در افغانستان در سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۲ میلادی، حدود ۲۰ میلیارد دالر بود که در دو سال پس از آن (۲۰۰۳-۲۰۰۴) به ۱۴ میلیارد دالر کاهش یافت که به دلیل سرمایه‌گذاری بیشتر امریکا در جنگ عراق بود و واشنگتن تا سال ۲۰۱۰ میلادی بیشتر بر جنگ عراق سرمایه‌گذاری کرد.

از سال ۲۰۱۰ تا سال ۲۰۱۳ میلادی، هزینه‌های جنگ افغانستان به بیش از ۱۰۰ میلیارد دالر افزایش یافت و در نهایت در سال ۲۰۱۵ میلادی نیز میزان بودجه اختصاص یافته به جنگ افغانستان نیز به ۳۵ میلیارد دالر رسید.

براساس گزارش نیویارک تایمز، هزینه اعزام هر سرباز امریکایی به افغانستان سالانه یک

بان کی مون:

رهبران جهان منافع شخصی خود را کنار بگذارند



به رشد است، پیدا کردن منابعی برای دستیابی به اهداف سازمان ملل دشوار خواهد بود. اهداف توسعه تداوم پذیر احتمالاً ماه سپتامبر تایید می‌شود و انتظار می‌رود که بین ۳/۳ و ۴/۵ تریلیون دالر هزینه داشته باشد.

جیم یونگ کیم، رئیس گروه بانک جهانی در بیانیه‌ای اعلام کرد: ما برای تحقق این اهداف به تریلیون‌ها دالر نیاز داریم نه میلیارد‌ها دالر. این پول از منابع بسیاری از جمله کشورهای در حال توسعه، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، اهدا کنندگان و نهادهای مالی بین‌المللی تامین خواهد شد.

دبیرکل سازمان ملل در ادامه سخنان خود گفت: مایه تاسف است که مذاکره کنندگان پس از ماه‌ها بحث و مذاکره نتوانستند به هیچ توافقی دست یابند. راه‌های جدیدی برای تامین مالی مورد نیاز باید به دست آید. در جهانی که هم جمعیت و هم محدودیت منابع رو به رشد است، باید منابع مالی توسعه را بازنگری کرد.

دبیرکل سازمان ملل در افتتاحیه کنفرانس مالی در اتیوپی گفت که رهبران جهان باید «منافع شخصی اندک» خود را کنار بگذارند تا بتوان به بن بست تامین مالی دستور کار توسعه جدید سازمان ملل پایان داد.

به گزارش خبرگزاری رویترز، انتظار می‌رود که حدود ۱۹۰ کشور بر روی چگونگی تامین مالی ۱۷ «هدف توسعه تداوم پذیر» سازمان ملل که شامل پایان دادن به فقر و گرسنگی، مقابله با تغییرات جوی و رسیدن به برابری جنسیتی تا سال ۲۰۳۰ می‌شود، توافق کنند.

بان کی مون، دبیرکل سازمان ملل در جمع هزاران تن از هیات‌ها که برای نشست چهار روزه در آدیس آبابا، پایتخت اتیوپی جمع شده‌اند، گفت: اجازه دهید تا اختلافات و منافع شخصی را کنار گذاشته و برای ارتقای وضعیت بشری همکاری کنیم. در جهانی که رشد به کندی صورت می‌گیرد، بودجه‌های کمک خارجی رو به کاهش است و تردید نسبت به امدادسانی و چند ملیتی رو